

# هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

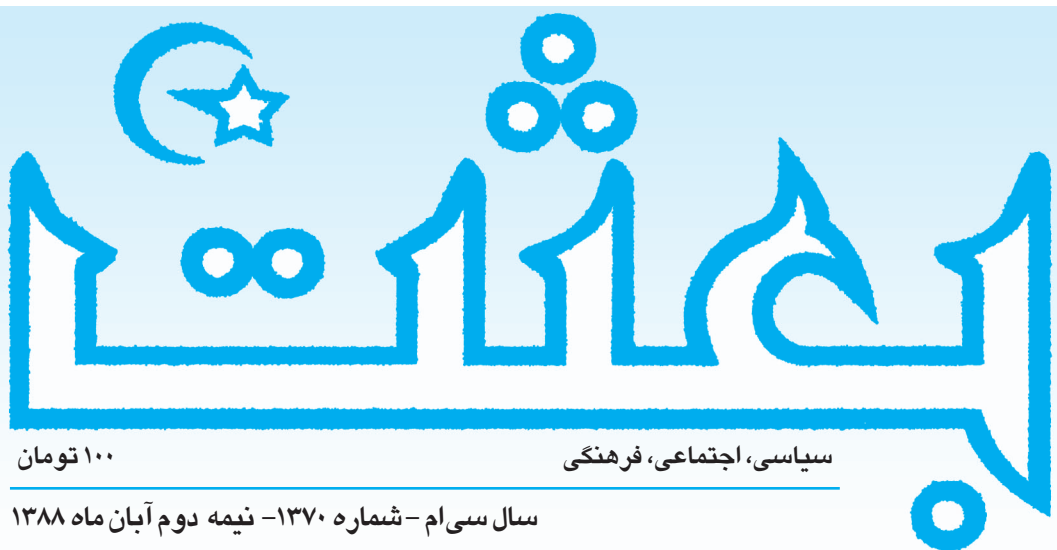
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



۱۰۰ تومان

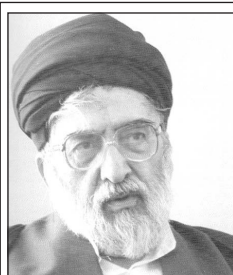
سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال سی ام - شماره ۱۳۷۰ - نیمه دوم آبان ماه ۱۳۸۸

آیت الله تسخیری در گفت و گو با ایسنا:

## عربستان مسوول تامین فضای مناسب برای انجام مناسک حج است

صفحه ۴



"گفتنی هائی ناگفته از یک تبعید در گفت و گوی فصلنامه یادآور با حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی:

تبعید را خودمان لغو کردیم!

صفحه ۶



سید جمال الدین و علم زدگی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ثقفی

صفحه ۱۰

تاکید شرکت کنندگان در کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی در لندن بر وحدت اسلامی

صفحه ۵



گزارشی از کنگره بین المللی شهیدین: فقهای تقریب

صفحه ۲

نگاهی به کتاب «اسلام و هیئت»

کتابی که جهانی شد

صفحه ۱۱

آشنایی با کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س)

صفحه ۳

فقه پویای اسلام و وحدت مسلمین در مذهب جعفری

## دیدگاه امام خمینی درباره تلاش های ارزشمند حضرت امام جعفر صادق (ع) در احیای فقه و ایجاد وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی

بپردازند و به توسعه آن اهتمام ورزند. موضوع دوم سایر جلوه های فرهنگ و معارف اسلامی بود که در کنار فقه مورد توجه و نظر امام (ع) واقع شد و نتیجه کوشش های آن بزرگوار به تعمیق تفکر دینی در میان مردم جامعه و رشد و گسترش تعالیم جامع و اصیل اسلام انجامید.

این دو امر مهم - یعنی هم تدوین و تبویب فقه اسلام و هم تشریح ابعاد گوناگون فرهنگ و تفکر دینی - در پرتو همان فضا و فرصت مناسبی که در اثر انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس به وجود آمد محقق گردید. زیرا در شرایط اجتماعی و سیاسی و مدت زمانی که به زوال حکومت اموی انجامید و در پی آن حکومت عباسی استحکام یافت حضرت امام جعفر صادق (ع) از فشارهای شدید حکام جور و مراقبت های همه جانبه آنان مصون بود و همین شرایط موجب گردید که امام (ع) در برنامه های علمی و اصلاحی خویش توفیق حاصل نماید. ضمن این که پیشوای الهی در وضعیتی نبود که دارای یارانی خالص و مردمی مطیع و فرمانبردار برای قیام سیاسی و مبارزه و جهاد با خلفای جور باشد.

ادامه در صفحه ۱۲

امام جعفر صادق (ع) و تلاش های مستمر و همه جانبه آن حضرت برای نشر فرهنگ جامع و زندگی ساز اسلامی در قالب شیوه ها و روش های تحول زایی که در نهایت ساختار و مبانی مذهب جعفری را دوام و بقا بخشید از کلام و رهنمودهای امام خمینی باری می جوئیم.

۱- حضرت امام خمینی تلاش و کوشایی های خالصانه حضرت امام جعفر صادق (ع) را منحصر در فقه نمی دانند اگرچه بخش اعظم آن درباره فقه است و جایگاه و نقش و ارجمندی آن فوق تصور می باشد و بالاترین حجم از فعالیت های علمی آن حضرت را تشکیل می دهد.

امام خمینی در این باره چنین تصریح دارند: "برای حضرت صادق (ع) مجال بود برای اینکه علم فقه را توسعه بدهند و بیان کنند و بعضی از مسائل البته غیرفقهی هم بوده است." (۳)

حضرت امام در این رهنمود ابتدا به فرصت و مجال به وجود آمده اشاره می کند که بستری را گسترده زمینه ای مساعد را فراهم کرد تا حضرت امام جعفر صادق (ع) توانستند به تدوین و تبویب فقه

محوری به عهده داشته و حاصلی ارزشمند به بار آورده اند - حضرت امام جعفر صادق (ع) مسئولیت بزرگ تدوین و تنظیم و طبقه بندی فقه اسلام را که بسیار وسیع و جامع است به عهده داشته و این وظیفه و مأموریت الهی به گونه ای با مجاهدت های علمی و عملی حضرت امام جعفر صادق (ع) عجین و ممزوج گردیده است که فقه دین به نام "فقه جعفری" اشتهار یافته است و مذهب تشیع نیز "مذهب جعفری" نام گرفته است.

حضرت امام خمینی در وصیت نامه الهی - سیاسی خویش که منشوری جامع برای آینده ایران و جهان اسلام است تصریح می کنند: "ما مفتخریم که مذهب ما "جعفری" است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست." (۱)

در واقع مذهب و فقه جعفری تبیین کننده احکام اسلام و شارح اهداف و آرمان های والای پیامبر اکرم (ص) می باشد چنان که امام خمینی این گونه توضیح می دهند: "و مبیین احکام اسلام و ایده های رسول اکرم ذریه مطهر ایشان و خصوص حضرت جعفر بن محمد صادق هستند." (۲)

به منظور آشنایی با افکار بلند و والای حضرت

اثمه اطهار(ع) همه از نور واحد و مظهر تام اسما الهی و تجلی گاه همه صفات حضرت باری تعالی می باشند و از همین رو هر کدام از آنها که در شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی منحصر به دوره حیات و امامت یکدیگر قرار گیرند مانند هم عمل می کنند و هیچ تفاوتی در مواضع و عملکردهایشان بروز نمی کند.

نکته مهم دیگر این که امامان معصوم (ع) از شرایط خاص فرهنگی و سیاسی در حاکمیت اموی و عباسی حداکثر بهره برداری را برای تشریح علوم اسلامی و فراهم آوردن زمینه های مساعد به منظور استفاده مردم آن عصر و سایر اعصار و زمان ها به عمل می آوردند به گونه ای که می توان اذعان نمود که آنچه امروز به صورت جامعیت دین و جلوه های نورانی فرهنگ و معارف اسلامی در مذهب تشیع - که سیمای شاخص و خالص دیانت پاک و ناب محمدی (ص) می باشد - به عینیت درآمده و به طور کامل تثبیت گردیده است حاصل تلاش و مجاهدت های فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی آن مطهران می باشد.

در میان اثمه اطهار(ع) - که هر کدام نقشی



## گزارش - خبری

نیمه دوم آبان ماه – شماره ۱۵ – ۳



فهد حلی وجود داشته است.

روش اخلاقی شهید ثانی: شهید ثانی در حوزه های علمیه بیشتر به عنوان یک فقیه مطرح است. بی تردید شهید ثانی از استوانه های عظیم فقهی است، اما درخشش فقهی این بزرگوار، باعث مغفول ماندن دیگر ابعاد شخصیتی وی شده است. شهید ثانی، تالیفاتی هم در زمینه مباحث اخلاقی دارد که اندیشه اخلاقی او را می توان از آنها به دست آورد. شهید ثانی در آثار اخلاقی خود عمدتا به برنامه های معنوی و خودسازی می پردازد. این آثار عبارتند از: منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، درباره آداب و اصول اخلاقی دانش اندوزی، کشف الریبه عن احکام الغیبه، درباره غیبت و انواع و راه درمان و دیگر امور متعلق به آن، مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد، درباره مصیبت از دست دادن عزیزان و شیوه درست برخورد با آن و اجر صابران بر مصیبت.

در خاتمه این کنگره بین المللی، از

بخش اول موسوعه ۵۴ جلدی شهیدین مربوط به آثار شهید اول که در ۲۰ جلد منتشر شده است، رونمایی شد. لازم به ذکر است از بخش دوم این موسوعه که مربوط به انتشار آثار شهید ثانی (شامل ۳۴ جلد) است، در مرحله دوم کنگره بین المللی شهیدین که اردیبهشت ماه سال آینده در کشور لبنان برگزار می شود، رونمایی خواهد شد.

### رابطه علمای شیعه و سنی قبل از طایفه گرایی

دیگر سخنران این کنگره در روز اختتامیه، آیت الله تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود و با بیان این مطلب که شهیدین، طلایه دار تقریب مذاهب اسلامی بودند، گفت: شهیدین، دو شخصیت برجسته جهان اسلام و طلایه دار تقریب مذاهب اسلامی هستند. ایشان با بیان این نکته که به همه ائمه مذاهب چهارگانه، نسبت تشیع داده شده است، تاکید کرد هر ۴ امام اهل سنت به شاگردی اهل بیت عصمت

**دردیدار اندیشمندان ترکی با دبیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی مطرح شد؛**

## ایران و ترکیه در یافتن اشتراکات مذاهب اسلامی همکاری می کنند

تهدید های فعلی، حرکت هماهنگ کشورهای منطقه را بیش از پیش ضروری ساخته است.

وی با تاکید بر همکاری ایران و ترکیه در مباحث تقریب مذاهب، مراکز دانشگاهی کشورش را برای تقویت زمینه های تقریب مذاهب اسلامی اعلام کرد.

در این دیدار ۲۲ تن از استادان رشته های مختلف تحصیلی در مباحث تفسیر، کلام، حدیث و فلسفه حضور داشتند.

شایان ذکر است این دیدار با هدف ارتباط مستقیم روشنفکران، اندیشمندان و فعالان دانشگاهی ترکیه با فعالیت های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و به منظور نزدیک کردن اندیشه های مذاهب مختلف به میزبانی مجمع در تهران برگزار شد.

گفتند: این مجمع در پی برجسته سازی اشتراکات مذاهب اسلامی در جهان اسلام است و ایران و ترکیه می توانند در این زمینه همکاری های نزدیکی داشته باشند.

وی افزود: ترکیه از کشورهای فعال در زمینه اتحاد قلوب مسلمین به شمار می آید و همفکری استادان دانشگاهی این کشور با مجمع می تواند زمینه ساز فعالیت های علمی و پژوهشی در تقویت اشتراکات مذاهب اسلامی باشد.

همچنین پرفسور الیاس چلبی رییس هیات ترکیه ای و معاون دانشکده الهیات استامبول، در ادامه این دیدار، هدف از حضور این هیات در ایران را توسعه روابط نجیبگان و روشنفکران جهان اسلام در شرایط حساس کنونی عنوان کرد و گفت:

## عملکرد پژوهشی و اجرایی مجمع تقریب مذاهب تشریح شد

جاری برغم هیاهوهای تفرقه افکنانه توانسته گام های موثری در جهت تحقق وحدت عملی بردارد.

در نشست یک روزه اعضای داخلی مجمع عمومی، تعدادی از اعضا از جمله لاله افتخاری نماینده مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام و المسلمین ربانی رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مولوی نذیر احمد سلامی نماینده مجلس خبرگان رهبری، حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی نماینده ولی فقیه در استان سیستان و بلوچستان به سخنرانی و ارائه پیشنهادهایی در جهت تحقق وحدت اسلامی پرداختند.

این نشست به منظور ترسیم خطوط کلی مسیر حرکت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و چارچوب های حمایتی برای برنامه های سالانه روز شنبه نهم آبان ماه در محل مجمع در تهران برگزار شد.

### آشنایی با کتابخانه آستانه مقدسه

### حضرت معصومه (س)

کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با حدود ۱۰۰ هزار جلد کتاب نفیس در خدمت علاقمندان علوم اهل بیت (ع) و دوستداران علم و معرفت می باشد.

حجت الاسلام احمدیان مدیر این مجموعه فرهنگی در گفتگو با خبرنگار ما ضمن اعلام این مطلب گفت: این کتابخانه در زمان مرحوم آیت اله العظمی بروجردی (ره) با اهدای کتاب توسط ایشان و چند تن دیگر از علما با حدود ۵۰ صندلی و بصورت محدود آغاز به کار کرد و به تدریج با اهدای کتاب توسط مراجع معظم تقلید و علما و فضایی حوزه علمیه توسعه یافت. ساختمان فعلی قبل از سال ۱۳۷۲ در ۴ طبقه و حدود ۵۵۰۰ متر زیرینا ساخته شده و تاکنون در همین مکان به ارائه خدمات مشغول است.

وی افزود: در حال حاضر این کتابخانه قریب به ۱۰۰هزار جلد کتاب دارد که در ۴ مخزن اصلی نگهداری می شود. مخزن کتب خطی حدود ۱۸۰۰ جلد مخزن نفایس حدود ۶ هزار جلد که قریب به ۴ هزار جلد آن کتب چاپ سنگی است مخزن بسته که مخزن اصلی کتابخانه است با حدود ۷۰ هزار جلد و مخزن باز با حدود ۲۰ هزار جلد کتاب که به راحتی در دسترس علاقمندان است.

حجت الاسلام احمدیان یکی از ویژگی های این کتابخانه را دارا بودن سالن ویژه نشریات عنوان کرد و افزود: آرشیو مطبوعات این کتابخانه یکی از معتبرترین و کاملترین مخازن در سطح شهر است که در آن روزانه حدود ۱۶ عنوان روزنامه و نزدیک به ۷۰۰ عنوان مجله در اختیار مراجعه کنندگان قرار می گیرد.

وی گفت: این کتابخانه دارای ۲ سالن مطالعه می باشد که استفاده از آن برای عموم طلاب کاملا آزاد و رایگان است و علاوه بر آن دانش آموزان پیش دانشگاهی و دانشجویان نیز می توانند با پرداخت حق عضویت بسیار ناچیز از آن استفاده نمایند. وی افزود: از ۲ سال قبل کتابخانه خواهران را با حدود ۲۰۰ صندلی راه اندازی کردیم که بسیار مورد استقبال بانوان مومن و متدین شهر قرار گرفته است همچنین دو کتابخانه اقماری در پارک شهید و ساختمان جمله کوثر داریم که در ۲ شیفت در دسترس علاقمندان می باشد.

مسئول کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به فهرست نویسی آثار خطی کتابخانه اشاره کرد و گفت: فهرست آثار خطی کتابخانه در ۴ جلد تهیه شده که تا بحال ۳ جلد از آن چاپ شده و یک جلد نیز در حال چاپ می باشد.

وی خاطرنشان کرد: در بین آثار خطی این کتابخانه کتابهای بسیار نفیسی وجود دارد که بعنوان نمونه می توان به مجمع البیان که حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل به خط کیدری نوشته شده و یا تفسیر قرآن که در قرن ششم هـ -ق نوشته شده است اشاره کرد.

وی افزود: گنجینه قرآن این کتابخانه که در حال حاضر در پژوهشکده علوم قرآن قرار دارد بیش از ۱۵۰۰ نسخه قرآن نفیس که قدیمی ترین آنها بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد را در خود جای داده است.

حجت الاسلام احمدیان گفت: این کتابخانه در حال حاضر حدود ۴ هزار نفر عضو دارد که در ایام شلوغ روزانه حدود ۲هزار نفر از برادران و حدود ۲۰۰ نفر از خواهران از آن استفاده می کنند.

وی در ادامه به تلاشهایی که برای مجهز کردن کتابخانه به فن آوریهای جدید صورت گرفته است اشاره کرد و گفت: قریب به یک سال است که ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه قم در این رابطه مشغول به کار هستند و انشاءالله قرار است که تا پایان سال این فن آوری انجام شود.

وی افزود: علاوه بر این عکسبرداری و تهیه میکرو فیلم از کتابهای کتابخانه را شروع کرده ایم که امیدواریم طی یکی دو سال آینده تکمیل شود. مسئول کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) کمبود فضای مطالعه و مخزن کتاب و غیراستاندارد بودن سالن های مطالعه را از مشکلات این کتابخانه عنوان کرد و افزود: در حال حاضر در ضلع شرقی حرم مطهر ساختمان جدیدی به مساحت ۱۱ هزار مترمربع در حال احداث است که انشاءالله با تکمیل آن و انتقال کتابخانه به محل جدید مشکلات موجود رفع خواهد شد.

# عربستان مسوول تامین فضای مناسب برای انجام مناسک حج است



شهرهای این کشور تصریح کرد: دولت عربستان مسوول این مناطق است؛ از این رو نباید اجازه دهد کسی تحریک کند و یا کسی حرکت های تعصب آمیز و فتنه انگیز داشته باشد. متأسفانه برخی تکفیری ها و متعصبان خود را در اختیار توطئه های دشمن قرار و حرکت های تحریک آمیز انجام می دهند که باید همه آگاه باشند؛ به خصوص حکومت عربستان مسوول جلو این تحریک ها را بگیرد تا مردم بتوانند حج را به نحو زیبایی انجام دهند و به اهدافش برسند.

تحریک آمیز و در اهانت به مقدسات شیعیان است و یا این که فشارهایی را علیه شیعیان اعمال می کنند که همگی تفرق انگیز است. وی افزود: من معتقدم حجاج ما باید دقیقاً متوجه باشند مکه و سرزمین های مقدس، سرزمین های وحدت و برائت هستند و نمی بایست از تحرکات متعصبان و مزدوران خیلی متأثر باشند و عکس العمل های نامناسبی نشان دهند. امیدوارم مسوولان حج نیز دقیقاً این مسائل را بدانند و از هرگونه فتنه و تحریک جلوگیری کنند.

تسخیری در ادامه در پاسخ به این پرسش که هوشیاری حجاج در ایام حج باید چگونه باشد؟ اظهار کرد: باید بدانیم محرکان چه کسانی هستند و اهدافشان چیست؟ با این هوشیاری می توان جلوی تحقق اهداف خبیث آنها را گرفت؛ در واقع عکس العمل خوب حجاج به ویژه حجاج ایرانی و برخورد آگاهانه آن ها جلوی این توطئه ها را می گیرد و آن ها را خنثی می کند که امیدوارم همه حجاج ما با آگاهی کامل به این سمت حرکت کنند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی درباره وظیفه دولت عربستان در قبال اهانت به شیعیان در بقیع و مدینه و دیگر

بشریت است تا دقیقاً راه انبیاء را طی کنند. تسخیری در ادامه با اشاره به آیاتی از سوره مبارکه بقره درباره خلقت و سجده ملائکه بر انسان گفت: مسأله حج کاملاً به مسیر انبیاء و هدف آن ها ارتباط دارد. خود قرآن هم هدف انبیاء را در دو نکته عبادت خدا و مبارزه با طاغوت خلاصه می کند؛ در واقع حج هم همین است؛ اگر حج را هم خلاصه کنیم، می بینم طواف و وقوف دارد و این سعی طواف و وقوف یک عبادت مجموعه ای است.

وی تصریح کرد: از این رو استکبار و مزدورانش سعی می کنند از شکوه حج کم و از آگاهی حجاج به این اهداف جلوگیری کنند و مانع تحقق مفاهیم وحدت و برائت شوند. مقام معظم رهبری هم بر همین نکات تأکید کردند که باید از یک سو از توطئه های دشمنان جلوگیری کنیم؛ چنان که می بینم این توطئه ها دارد در عراق و پاکستان اجرا می شود و گاهی در حج هم عده ای مزدور به تحریک فتنه ها می پردازند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی هم چنین با اشاره به عاملان فتنه انگیزی ها گفت: اصل تحریک از سوی دشمنان اسلام است. این اقدامات گاهی

آیت الله محمدعلی تسخیری حج را یک مدرسه الهی دانست و تصریح کرد: حجاج ایرانی نباید در قبال تحرکات مزدوران عکس العمل نامناسبی از خود نشان دهند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در گفت وگو با خبرنگار دین و معارف اسلامی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج در پاسخ به این پرسش که چگونه می توان حج را به مصداق وحدت تبدیل کرد، افزود: واضح است که قرآن و روایات شریف بر مسأله حج زیاد تأکید کرده اند و همه راه هایی را که به وحدت منتهی شود، طی می کنند؛ زیرا کل مسأله حج برای تحقق اهداف انبیاست که یکی از آن ها وحدت است.

وی افزود: معتقدیم بزرگ ترین موانع تحقق وحدت توطئه دشمنان امت و ترس آن ها از وحدت توده های مسلمان، وجود خوی تعصب در بین برخی مسلمانان، رفتارهای تحریک آمیز و اهانت به مقدسات دیگران و نهایتاً تحرکات افراطی است که به تکفیر منتهی می شود. این ها از موانع وحدت هستند، اما همه بزرگان، علما و دلسوزان باید این حقیقت را بدانند که حج یک مدرسه الهی و یک اردوی الهی برای تربیت

## استراتژی تقریب میان مذاهب اسلامی

### زهرایملکی پرست

#### استعدادهای تقریب

تقریب به مثابه عرصه گفت وگویی عملی میان مذهبی امری ابتدائاً علمی و سپس اجتماعی است. اصولاً یکی از بخش های کانونی مذاهب دانشی است که تشکیل دهنده جدی ترین درونمایه آنهاست. دانش میل و نیل به گفت وگو دارد و ذاتاً مقوله ای گفت وگوپذیر است. گفت وگویی دانشی صرفاً نقشی ابزاری در راه تولید علم ندارد بلکه به مثابه زمینه ای عمل می کند که گسترش آن به دانش افزایی منجر می گردد. زمینه های تقریب میان مذاهب اسلامی را به ویژه در دانش های نظیر اصول فقه و فقه می توان یافت. اصول فقه و فقه دانش های تعیین کننده در نظام دانشی اسلامی هستند، و بی گمان، بخش مهمی از وزن تولید دانش در تمدن اسلامی را بر دوش دارند. در هر دو دانش می توان عرصه هایی را نشان داد که در نگاهی تطبیقی و مقارن می توان پرده از برخی از تحولات تاریخی و تطورات مضمونی آنها برکشید و عرصه هایی را نشان داد که در طول تاریخ، موضوع گفت وگوهای بارور میان عالمان فرق و مذاهب بوده اند. نکته مهم پیش تازی شیعیان در رویکردی این گونه ای بوده است. تاریخ نشان می دهد که معمولاً دانشمندان فقهی و اصولی شیعه در گفت وگوهایی از این دست با دست باز حضور می یافتند و نکته های فراوانی برای عرضه در سیر بحث و مسیر گفت وگو ارائه می دادند.

#### تقریب به مثابه عامل موثر در هویت

هویت مانند حلقه های درهمی است که هر حلقه تمام یا بخشی از حلقه های دیگر را در خود دارد. بی گمان مسلمان بودن بخشی کلیدی از هویت هر مسلمان است. طبعاً این هویت شامل

به شیوه ای جدی و جریان ساز به این مقوله پرداخته است. در این نوشتار کوشیده شده تا از رویکرد تقلیل گرایانه به مبحث تقریب حذر کنیم و ذیل رویکردی تبارپژوهانه به این عرصه خطیر و جدی نظر افکنیم. فرار از نگاه تقلیل گرایانه به ما امکان خواهد داد تا تبارهای اندیشه و عمل تقریبی را در افقی وسیع تر دراییم. بنابراین ادعای این نوشتار تأکید بر آن است که رویکرد تقریبی عمری به درازنای تمدن اسلامی و تاسیسات نظری و عملی آن دارد. اگر چه امکان طرح این ادعا در این نوشتار محدود نیست ولی در سطوری که می آید تلاش شده است، به اختصار و متناسب با ظرفیت های محدود یک یادداشت روزنامه ای، به خصایصی اشاره شود که در صورت نگاه تبارشناسانه به تقریب برجسته می گردند.

#### مضامین تقریبی

رویکرد به تقریب نباید با مضامین درون دینی هر یک از مذاهب ناسازگار باشد. اصولاً درک مبتنی بر "عقب نشینی پیوسته از مواضع مذهبی خود" به تقریب منجر نمی شود و در نهایت زمینه های تقریب را نیز محدود می سازد. رویکرد صحیح به تقریب میان مذاهب باید بر اساس استراتژی ایجاد فضای همفکری موثر<sup>۱</sup> تحقق یابد و نه عقب نشینی از مواضع مذهبی خود. استراتژی فضا سازی مثبت و پیوسته هنگامی عملاً محقق می شود که ما مرتباً استعداد های تقریبی خود را در زمینه های علمی و اجتماعی شکوفا کنیم و به بحث تقریب در افق یک پروژه وسیع علمی- اجتماعی نظر افکنیم نه یک طرح اجرایی- ترویجی. این استعدادها در حوزه های مختلف قابل شناسایی است. در فراز بعدی به این مسأله پرداخته شده شد.

در مطالعه وضعیت تقریب باید به دو نکته مقدماتاً اشاره کرد:

۱- تقریب میان مذاهب دینی ادبیاتی ناشناخته در عرصه مطالعات دین پژوهانه نیست و بخشی از جریان شناخته شده مطالعاتی در این عرصه به حساب می آید. با این حال کمتر تلاشی درخور برای ایجاد ارتباط میان این ادبیات علمی و رویکردهای تقریبی در کشور ما صورت گرفته است.

۲- برخلاف آن چه بعضاً ادعا می شود ایده تقریب میان مذاهب اسلامی، ایده ای کم سن و سال نیست. معمولاً سابقه رویکردهای تقریبی را به اولین تلاش هایی باز می گردانند که اولین نسل از نواندیشان و احیایران اسلامی، نظیر سیدجمال الدین اسدآبادی، پس از روبه رو شدن با توانمندی های تمدن جوان غرب در آن سال ها، مورد توجه قرار دادند.

با این حال واقعیت آن است که رویکرد تقریبی قدمتی بسیار بیش از عصر معاصر دارد. عدم شناسایی سابقه و عقبه طولانی تقریب حاصل برداشتی فرمالیستی و ظاهرینانه از تقریب است که رد پای تقریب را در تاریخ ذیل ادبیاتی کاملاً معاصر می جوید. پر واضح است که این رویکرد مقرون به صحت نیست و بر شناختی فرمالیستی از منطق تقریب گرایی میان مذاهب اسلامی استوار گردیده است که راه به درک عناصر تاریخی تقریب نمی برد.

پس از دقت در این دو نکته است که می توان به تادوین استراتژی های جدید برای تقریب میان مذاهب پرداخت.

در نگاهی واقع بینانه می توان از رگه و رویه ای نسبت به تقریب در طول تاریخ نام برد که

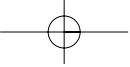
مذهب فرد نیز می گردد. با این حال هویت مذهبی نه در مقابل هویت دینی بلکه تکمیل کننده آن است. متأسفانه برداشتی سلفی وجود دارد که هویت مذهبی را در مقابل هویت دینی معرفی می کند. این برداشت نه با سنت معصومان (ع) سازگار است و نه مستند به عقلانیتی راهگشا جهت زندگی در عصر جدید می باشد. به این ترتیب تقریب را باید به مثابه مبنایی برای شناختن خود نیز در نظر گرفت و کارکرد آن را محدود به تقویت ارتباط با دیگر ندانست.

### تقریب به مثابه استراتژی حفظ منافع حداکثری

حفظ منافع مرکز سیاست ورزی معاصر است. بعضاً به غلط دیده می شود که رابطه ای جبری میان رویکرد به منافع و نگاه صرفاً دولت - ملت محور ایجاد می شود. مطابق با این دیدگاه نه چندان قابل دفاع تنها برون داد منفعت گرایی سیاسی را در جست وجوی منافع ملی طلب می نمایند که صحیح نیست. رویکرد به منافع می تواند در سطوح و شقوق دیگر نیز شناسایی شود که البته قابل تحویل بردن به منافع ملی هستند. به عنوان نمونه می توان به این نکته اشاره داشت که مشارکت در سازمان های بین المللی در بسیاری از مواقع منافع اولیه ملی را محدود می کند. به نظر می رسد که رویکرد به تقریب نیز باید بر اساس ادبیات علمی تعقیب منافع گسترش یابد. در این چارچوب زیر ساخت تعقیب منافع، ترکیبی از نگاه امت محور و دولت - ملت محور در رویکرد به تقریب است که حاصل آن گسترش منافع ما در سطوح مختلف منطقه ای و ملی خواهد بود.

تهران امروز





## تاکید شرکت کنندگان در کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی در لندن بر وحدت اسلامی

تقریب میان مذاهب اسلامی ، تاثیر بسزایی در روشنگری افکار عمومی برای شناسایی توطئه‌های دشمنان اسلام در ایجاد تفرقه بین مسلمانان دارد ، اظهار داشت : اصرار دشمنان در ایجاد تفرقه و برانگیختن اختلافات غیر واقعی، ما را بر آن می‌دارد که در برابر آنها و در راه نزدیکی به یکدیگر و از بین بردن همه موانع بر سر راه اتحاد ، اصرار بیشتری بورزیم. چون عامل اشتراک و ارتباط قوی و محکم میان همه مسلمانان، قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) است.

رییس موسسه امام علی لندن با تاکید بر اینکه همه مسلمانان ومذاهب اسلامی می بایستی به پیروی از شعار قرآنی واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا اطاعت از خدا و رسول او را محترم بشمارند و حرکت خود را به سوی نزدیکی و وحدت سوق دهند ، افزود: مسلمانان باید يد واحده‌ای در برابر دشمنی‌ها و حيله‌های دشمنان اسلام باشند و کلید اصلی همزیستی وبرادری و یکدستی امت اسلامی جدیت در راه وحدت است.

سخنران بعدی این نشست شیخ خلیفه عزت امام مرکز فرهنگی و اسلامی مسجد ریچنتس پارک لندن بود که سخنان خود را با عنوان برخورد قرآن با روشهای پراکندن تفرقه واختلاف آغاز کرد و اظهار داشت : تمسک به اعتقاد توحیدی، قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) ، مسلمانان را امتی واحده می‌سازد. از این رو تلاش برای ایجاد وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی و همکاری در نقاط مشترک و موارد اتفاق و پرهیز از موارد اختلافی ،مسلمانان را به ایجاد امت واحده اسلامی رهنمون می‌نماید.

امام مرکز فرهنگی و اسلامی مسجد ریچنتس پارک لندن با اشاره به لزوم دوری گزیدن از تحریکات مذهبی و تعصبات قبیله‌ای و ملیتی که موجب از بین رفتن وحدت مسلمانان می‌شود، بر پاکسازی جامعه اسلامی از بدعتها و خرافه‌هایی که به تفرقه وتشت امت اسلامی می‌انجامد، تاکید کرد.

در برنامه پایانی پیش از ظهر کنفرانس ابتدا پیام آقای شیخ احمد قبلان مفتی اعظم مسلمانان لبنان و مقالات دکتر فواد ابراهیم تحلیلگر سیاسی از کشور عربستان سعودی و دکتر عبدالعز التویجری مدیر کل سازمان فرهنگی کشورهای اسلامی ( آپسیسکو ) که نتوانسته بودند در کنفرانس حاضر شوند ، قرائت شد.

در پیام آقای احمد قبلان به سومین کنفرانس تقریب بین مذاهب اسلامی آمده است: اختلاف در اجتهاد زیانی به وحدت نمی‌رساند و امری طبیعی است ولی نباید عامل تفرقه وتشت مسلمانان شود . مسلمانان باید با روشن بینی و دانش و عقلانیت به مسائل بنگرند و با تمسک به قرآن و سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و با استدلال بایکدیگر گفت و گو کنند و از تکفیر و دشنام یکدیگر پرهیزند. مفتی اعظم مسلمانان لبنان وحدت همه مسلمانان را امری واجب دانست و افزود:

هر آن کس را که در فکر وعمل خود به وحدت نیندیشد و نسبت به آن بی‌اهمیت باشد، نباید مسلمان حقیقی دانست.

تحکیم وحدت می‌بایستی گفتمان خود را متناسب با واقعیت ها تنظیم نمایند و نمادهای مذهبی یکدیگر را مورد توجه قرار دهند و به آنها احترام بگذارند و از روشهای ناپسند و غلط تکفیر و دشنام نسبت به یکدیگر دوری جویند تا بتوانند به وظیفه اسلامی خود عمل نمایند. رییس سازمان اوقاف شیعی عراق با اشاره به هجوم دشمنان به کشور مسلمان عراق و ایجاد حوادث تلخ و تاسف بار در آن کشور را که موجب به خاک وخون کشیده شدن جمعی از مردم بی‌گناه وکودک و پیر و جوان شده است، فتنه‌ای از سوی دشمنان اسلام خواند و اظهار داشت : ما در سازمانهای اوقاف شیعه و سنی در عراق در کنار هم و با همکاری هم توانسته‌ایم در فرو نشاندن آتش فتنه تا حدود زیادی موفق باشیم و بستری را برای اتحاد مسلمین فراهم آوریم.

یکی دیگر از میهمانان ویژه این کنفرانس آقای دکتر احمد عبدالغفور سامرای رییس سازمان اوقاف سنی عراق بود که سخنان خود را با عنوان : چگونگی حفظ کردن و تقویت وحدت امت اسلامی آغاز کرد و اظهار داشت : در کشور عراق که دشمنان با فتنه‌های خود تصمیم به پاره پاره کردن و ایجاد تفرقه در آن را دارند ، همه دست اندر کاران امور مذهبی تلاش زیادی در راه ایجاد اتحاد و همدلی مردم انجام داده اند.

رییس سازمان اوقاف سنی عراق با تاکید بر اینکه دین اسلام عاملی برای اتحاد و نزدیکی است، گفت: هرکس که دین را دوست دارد ، قطعا در لوای پرچم دین، متحد خواهد بود و از پراکندگی پرهیز خواهد کرد.

همانطور که پیامبر مکرم اسلام نیز گفته‌اند : عزیزترین مردم نزد خدا ، سودمندترین آنان هستند . و این نکته ظریفی در کلام رسول خداست که نگفته‌اند سودمندتر برای شیعه ویا سنی ویا حتی مسلمانان. بلکه گفته‌اند سودمند تر برای مردم. و یا جایی دیگر رسول خدا می‌فرماید : مسلمان کسی است که مردم از دست وزبان او در امان باشند . پس اگر ما مسلمان و پیرو رسول گرامی اسلام هستیم باید این پیام‌ها را به مردم انتقال دهیم که بزرگترین خدمت به یکدیگر است.

دکتر عبدالغفور سامرایي با تاکید بر اینکه تقرب به خدا و خدمت به برادران دینی و هموطن، موجب تقرب و نزدیکی میان مذاهب است، افزود: جای بسی تاسف است که چگونه بعضی افراد نادان با ریختن خون برادران دینی خود می‌خواهند به رضایت پروردگار عالم دست یابند. از این رو در چنین وضعیتی مسئولیت همه دست اندر کاران امور دینی برای روشنگری و هدایت همه مسلمانان با هر مذهبی بسیار سنگین است و تلاش ومجاهدت زیادی را از سوی آنان برای فراهم کردن زمینه اتحاد بیشتر می‌طلبد.

حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی کشمیری رییس موسسه امام علی لندن و نماینده آیت الله سیستانی در انگلیس به عنوان دیگر سخنران این کنفرانس ؟ سخنان خود را با عنوان راههای مواجهه با چالشهای اختلافی ارائه کرد.

وی با اشاره به اینکه گفتمان در خصوص

جهان به این مساله، همه نشان از این بیداری خجسته دارد.

این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه این بیداری اسلامی همه معادلات جهانی را برهم زده و دشمنان اسلام را که همواره با آزار واذیت‌های خود و تهمت‌های گوناگون مسلمانان را در فشار قرار می‌دادند ، مایوس ساخته است؟ افزود : امروز ثابت شده است که دین اسلام تنها راه عزت واقتدار و راه پیشرفت و انقلاب وتمدن است و بر این اساس روابط مسلمانان با غرب چهره‌ای دیگر به خود گرفته و چهره عزت وکرامت و توانایی بدون اظهار ضعف مسلمانان در برابر غرب به خوبی آشکار است.

وی تاکیدکرد: از این رو متولیان امور اسلامی با برخورداری از درجه بالای هوشیاری ودقت خود باید افق‌های بلندتری را مدنظر قراردهند و با بهره گیری از روشهای نوین در گفتمان با غرب ، چالشهای موجود را برطرف سازند.

سپس متن پیام آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی که با عنوان : توازن در گفتمان اسلامی ؟ راه درست مواجهه با چالشهای تفرقه تنظیم شده بود توسط آقای شیخ تریکی قرائت شد.

آیت الله تسخیری در پیام خود به سومین کنفرانس بین‌المللی تقریب بین مذاهب اسلامی آورده است : طرح کلی ما نقدی درونی بر کارکرد روشنفکران واصحاب رسانه‌ها در چار چوب دعوت به برگزیدن اعتدال؟ میان سطحی‌نگری و پیچیده گرایی میان گوشه نشینی و تاثیرپذیری مفرط ، میان تعصب کورکورانه و دست کشیدن از مبانی ، میان ارتجاع و پیشرفت ظاهری و میان افراطی گری در ارزیابی و بی‌مبالاتی هاست.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی با برشمردن نمونه‌هایی از مشکلات موجود بر سر راه تقریب بین مذاهب ؟ در پیام خود تاکید کرده است: ما معتقدیم روح توازن که همان جان گفتمان اسلامی است می‌بایستی دوباره برای توازن بخشیدن به مجموعه مسائل متناقض بازگردانده شود و درخصوص مجموعه مسائلی که در تنظیم زندگی نقش اساسی دارند و جامعه اسلامی را به سوی خیر و نیکی رهنمون می‌سازند، همچون : واقع گرایی و آرمان گرایی ، عقلانیت و شور و هیجان داشتن ، هماهنگی میان اعتقادات و عواطف و رفتارها ، همخوانی میان سطوح مختلف نظامهای دینی، بیم وامید، توکل به خدا و اعتماد به نفس ، منطقی بودن و افشاگری ، تعبد و دانستن دلیل احکام ، مسئولیت فردی و جمعی و پاداش فعالیت و عدالت در توزیع، گفت و گو شود.

آقای سید صالح حیدری رییس سازمان اوقاف شیعی عراق دیگر سخنران و میهمان مدعو و ویژه این کنفرانس بود که طی سخنانی با تاکید بر اینکه وحدت ونزدیکی میان مذاهب اسلامی در زمانی تحقق می‌یابد که هرکس آن چه را برای خود می‌پسندد ، برای دیگران نیز بپسندد واز گفتمان تحریک آمیز پرهیزد ، گفت : همه مسلمانان باید بدانند که هرکدام به دیگری نیازمندند و برای کمک به یکدیگر و

لندن - سومین کنفرانس بین‌المللی تقریب میان مذاهب اسلامی روز شنبه با حضور شخصیت‌ها و اندیشمندان برجسته مسلمان از کشورهای مختلف از جمله آلمان، ایران ، انگلیس ، لبنان ، عربستان سعودی، عراق، مصر، مغرب و تونس در مرکز اسلامی انگلیس در لندن برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، این کنفرانس یک روزه با عنوان تقریب میان مذاهب اسلامی راهی به سوی تکریم انسان و تقویت اتحاد اسلامی و با تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط مصطفی مرجان کار از قاریان بین‌المللی کار خود را آغاز کرد.

اولین و دومین کنفرانس بین‌المللی تقریب بین مذاهب اسلامی با عناوین:

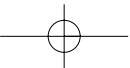
تقریب بین مذاهب اسلامی ضرورتی برای مسلمین در عصر حاضر و تقریب، راهکار دفاع از قرآن کریم و پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) در ماه اکتبر سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در مرکز اسلامی انگلیس برگزار شده بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالحسین معزی رییس مرکز اسلامی انگلیس در مراسم افتتاحیه کنفرانس امسال تقریب، با اشاره به دستاوردهای دو کنفرانس گذشته تقریب بین مذاهب اسلامی که شرکت کنندگان بر اهمیت تقریب ونقش آن در همگرایی و وحدت و انسجام اسلامی تاکید کردند؟ افزود : نشست کنونی اندیشمندان و متفکران مذاهب اسلامی از کشورهای گوناگون نیز فرصت مغتنمی برای رایزنی درباره مسائل ومشکلاتی است که جهان اسلام با آن روبرو است.

رییس مرکز اسلامی انگلیس هدف از برگزاری اینگونه کنفرانس‌ها را شناخت بیشتر مذاهب اسلامی از همدیگر به منظور همدلی و همفکری و ساختن آینده‌ای روشن برای امت اسلامی برشمرد و اضافه کرد: امروز ما بر اساس مسئولیت سنگین اسلامی خویش و به پیروی از مصلحان خیر اندیش در این همایش گرد آمده‌ایم و بر این باوریم که اندیشمندان جهان اسلام می‌توانند با گفت و گو مسیر جامعه اسلامی را به هدف غایی خود یعنی تشکیل امت واحده نزدیک سازند.

وی افزود: ما معتقدیم در استفاده بهینه از چنین فرصتهایی است که ارزشهای انسانی بروز می‌یابد و همگرایی و اتحاد تقویت می‌گردد و برهمین اساس در سومین کنفرانس تقریب بین مذاهب اسلامی بر دو موضوع تکریم انسان و تقویت وحدت میان مسلمانان تاکید می‌شود.

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین سید فاضل میلانی استاد حقوق از لندن محور سخنان خود را بازسازی گفتمان با غرب در چارچوب همزیستی مسالمت آمیز قرار داد و گفت: قرن حاضر با بیداری اسلامی در جهان متمایز شده و توجه به عقاید و اندیشه‌ها و شریعت اسلامی با سرعتی زیاد افزایش یافته و نویسندگان و محققان از جوانب مختلف فقهی، اعتقادی و فلسفی به بررسی دین اسلام می‌پردازند و انتشار کتابهای علمی متقن به زبانهای مختلف و برگزاری کنفرانسهای علمی گوناگون و پرداختن رسانه‌های گروهی و شبکه‌های ماهواره ای و تلویزیونی در سراسر



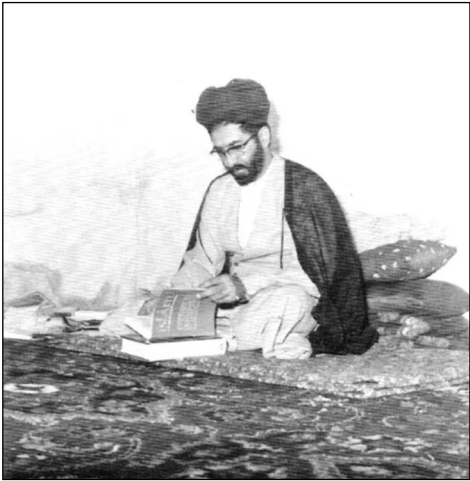
"گفتنی هائی ناگفته از یک تبعید" در گفت و گوی فصلنامه یادآور با حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی:

## تبعید را خودمان لغو کردیم!

درآمد:

بی نیاز از تذکار است که روحانیون تبعیدی از حوزه علمیه قم، در واقع سفیران انقلاب به دورافتاده ترین نقاط کشور بودند که ناخواسته از سوی رژیم بدان نقاط گسیل می شدند. بی تردید بازخوانش تاریخچه و خاطرات مرتبط با این رویداد که به طور مشخص در دو نوبت، یعنی سال ۱۳۵۲ و نیز سال ۱۳۵۶ و در پی رویداد ۱۹ دی به وقوع پیوست، از عرصه هائی است که تا کنون از منظر تاریخ پژوهان انقلاب به دور مانده است.

در گفت و شنودی که در پی می آید حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی، چند و چون تبعید خویش در سال ۱۳۵۶ به انارک یزد و سپس مصاحبت با مرحوم آیت الله پسندیده و نیز آیت الله مکارم شیرازی و تنی چند از چهره های تبعیدی بدان سامان را به شرح نشسته است. این خاطرات نیز مانند سایر نوشته های تاریخی استاد خسروشاهی به خاطرات، ناگفته ها و اسناد و تصاویر منتشر نشده مزین شده و توسط ایشان نیز مورد بازبینی قرار گرفته است.



▲ ۱۳۵۶. در تبعیدگاه انارک

**ظاهرا جنابعالی به عنوان اعتراض، در آن زمان، نامه سرگشاده ای خطاب به نخست وزیر وقت نوشتید که آیت الله شهید صدوقی آن را امضا کردند؟**

داستان این نامه سرگشاده را من در خاطرات مربوط به شهید آیت الله صدوقی همراه متن نامه، آورده ام و در ماهنامه شاهد یاران چاپ شده است و نقل کامل و مجدد آن ضرورتی ندارد، اما به طور اجمال می توان اشاره کرد که در آن ایام، آقای جمشید آموزگار، نخست وزیر، در مصاحبه ای مطبوعاتی گفته بود که اصولاً ما زندانی یا تبعیدی سیاسی نداریم! من با اسناد به این گفتار که در روزنامه اطلاعات چاپ شده بود، طی نامه سرگشاده ای، ضمن تکذیب ادعای وی، اسامی ۵۰ تن از شخصیت های روحانی و علمی تبعید شده را آوردم که نسخه ای از آن را به آیت الله صدوقی که به ملاقات آمده بودند، دادم و نسخه دیگری را هم به مرحوم مهندس بازرگان دادم که آقای احمد بنی احمد، نماینده تبریز در مجلس شورای ملی فرستاده بودند. آیت الله صدوقی، برای جلوگیری از تعقیب و مزاحمت ما از سوی ساواک، آن نامه را با امضای خودشان منتشر کردند و آقای بنی احمد هم آن را به نام من، به ضمیمه نامه خود، خطاب به نخست وزیر، در مجلس خواند و توزیع کرد که در نشریه حقوق بشری ها هم منتشر گردید. این نامه در واقع یک افشاگری مستند علیه ادعای کذب نخست وزیر بود و به همین دلیل، ساواک مجبور شد یک بولتن ویژه در باره تبعیدی ها تهیه کند و به عرض مبارک همایونی!! برساند. با درجه بندی ساواک در باره میزان خطر! افراد...البته اغلب این تبعیدی ها از نظر آنها، فقط واعظ! تلقی می شدند، درحالی که بین آنان علمای بزرگ و مجتهدان معروف و اساتید مبرز حوزه ها وجود داشتند. متن آن بولتن ویژه ساواک به قرار زیر است:

سری

مبارک ملوکانه می گذرد.

پیوست شماره یک

فهرست اسامی عناصر تبعیدی که فعالیت و تاثیر اقدامات آنان درجه اول بوده است.

ردیف، اسم، شهرت، شغل، مدت تبعید، محل تبعید

۱. عباس ضیغمی واعظ، ۳ سال انارک  
۲. سید هادی خسروشاهی واعظ، ۳ سال انارک  
۳. سید احمد کلانتر واعظ، ۳ سال انارک  
۴. محمد صادق صادقی گیوی واعظ، ۳ سال بانه  
۵. شیخ مرتضی فهیم واعظ، ۳ سال سقز  
۶. عبدالرحیم ربانی شیرازی واعظ، ۳ سال سردشت  
۷. محمد علی گرامی واعظ، ۳ سال شوشتر  
۸. حسن نوری (نوری همدانی) واعظ، ۳ سال خلخال  
۹. محمد جواد حجتی کرمانی واعظ، ۳ سال سنندج  
۱۰. محمد یزدی واعظ، ۳ سال شاه آباد غرب  
۱۱. عبدالمجید معادینخواه واعظ، ۳ سال بندر شاهپور  
۱۲. ابوالقاسم خزعلی واعظ، ۳ سال بیجار  
۱۳. شیخ علی اکبر مکارم واعظ، ۳ سال سنندج (متواری است)!

۱۴. حسن صانعی واعظ، ۳ سال میناب  
۱۵. جهانپخش تعمیرکاری واعظ، ۲ سال مشکین شهر  
۱۶. کاظم راشدپور یزدی واعظ، ۳ سال ایرانشهر  
۱۷. محسن پور میرغفاری واعظ، ۲ سال تربت جام  
۱۸. عبدالسید محمودی واعظ، ۲ سال ایرانشهر  
۱۹. علی محمد دستغیب واعظ، ۳ سال سقز  
۲۰. علی اصغر دستغیب واعظ، ۳ سال سراوان  
۲۱. علی مشارزاده مهرابی دبیر، ۳ سال رامهرمز  
۲۲. علی مرادخانی ارنگه ای واعظ، ۳ سال انارک  
۲۳. سید علی خامنه ای واعظ، ۳ سال ایرانشهر  
۲۴. حسین عمادی واعظ، ۳ سال چابهار  
۲۵. محمدتقی عالمی دامغانی واعظ، ۳ سال سردشت  
۲۶. حسن ایمانی واعظ، ۳ سال مریوان  
۲۷. شکر الله طاهری واعظ، ۳ سال سردشت  
۲۸. فخرالدین رحیمی واعظ، ۳ سال ایرانشهر  
۲۹. محمد مهدی روشنی موسیوند واعظ، ۳ سال زابل  
۳۰. حسین اعتمادی واعظ، ۳ سال مهاباد  
۳۱. رمضان علی جنتی رضوی واعظ، ۳ سال مهاباد  
۳۲. کاظم نورمفیدی واعظ، ۲ سال مریوان  
۳۳. مرتضی ناظم زاده زمردی، کاسب ۱ سال سیرجان  
پیوست شماره دو

فهرست اسامی عناصر تبعیدی که فعالیت و تاثیر اقدامات آنان درجه دوم بوده است.

ردیف، اسم، شهرت، شغل، مدت تبعید، محل تبعید

۱. حسین سلیمانی خرازی فروش، ۳ سال تربت جام  
۲. قاسم دخیلی بازرگان، ۳ سال تویرسرکان  
۳. ناصر مکارم شیرازی واعظ، ۳ سال انارک  
۴. غلامحسین خردمند فرش فروش، ۳ سال خوی  
۵. محمد مهدی ربانی رانکوهی واعظ، ۳ سال رودسر  
۶. محمدصادق کرباسچی تهرانی واعظ، ۳ سال انارک  
۷. هادی باریک بین واعظ، ۱۸ ماه سردشت  
۸. سید نوری آصف آگاه واعظ، ۱۸ ماه دره گز  
۹. یحیی قزوینی واسطه معاملات، ۱ سال پاوه  
۱۰. حبیب الله طاهری واعظ، ۱۸ ماه یاسوج  
۱۱. محمد رضا اصفهانی واعظ، ۳ سال کرج  
۱۲. علی اکبر شمس زگر، ۳ سال بیجار  
۱۳. محمد مشارزاده محرابی دبیر، ۲ سال مشکین شهر  
۱۴. مظفر شخصی مددی کارمند، ۲ سال گنبد کاووس  
۱۵. عباس پورمحمدی ماهونکی واعظ، ۲ سال زابل  
۱۶. محمد احمدی فروشانی واعظ، ۲ سال سقز  
۱۷. جلال طاهری حسین آبادی واعظ، ۲ سال مهاباد  
۱۸. جلیل معطری واعظ، ۱ سال بانه

۱۹. شهاب الدین حسینی واعظ، ۲ سال سقز  
۲۰. فاضل حسینی ورکانه واعظ، ۱ سال مهاباد  
۲۱. حسین عندلیب زاده واعظ، ۱ سال پاوه  
۲۲. مجتبی صباح حسینی واعظ، ۱ سال پاوه  
۲۳. احمد زمانیان کوهانی واعظ، ۱ سال چابهار  
۲۴. محمد علی حیدری واعظ، ۱ سال شهر بابک  
۲۵. رضا خاتمی خواربارفروش، ۱ سال بابک  
۲۶. محمدعلی موسویان واعظ، ۱ سال ایرانشهر  
۲۷. عبدالرزاق زین الدین واعظ، ۳ سال سقز  
۲۸. ماشاء الله کریمی واعظ، ۳ سال ایرانشهر  
۲۹. محمد رئیسی واعظ، ۱ سال تربت حیدریه  
۳۰. علی اصغر معصومی واعظ، ۱ سال سمیرم

**اعتراضات شما که به طور مکتوب و نامه سرگشاده یا طی تلگراف علنی بود، آیا واکنشی از طرف ساواک نداشت؟**

البته ما در آن موقع که دسترسی به اطلاعات و مسائل محرمانه نداشتیم، ولی پس از انقلاب، طبق اسنادی که به دست آمده، معلوم شد که مسئولین تبعیدها در قم، برای توجیه اقدامات غیرقانونی خودشان، هر اتهامی را به آقایان تبعیدی ها نسبت داده اند؛ مثلاً در باره آیت الله پسندیده گزارش داده اند که همچنان به اقدامات ضدانیتی و تحریک مردم در انارک ادامه می دهد!

و یا در باره اینجانب گزارش جالبی نوشته اند که میزان حماقت نویسندگان آن را نشان می دهد. به قول تاریخ نویسان! چند سطری از آن را گزارش را برای ثبت در تاریخ از کتاب "یاران امام به روایت اسناد ساواک"، جلد بیستم، چاپ تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، صفحه ۴۳۴ و ۴۳۵ نقل می کنم:

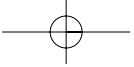
به: ۳۱۲ تاریخ: ۲۵۳۷/۳/۸۸  
از: ۲۱۰ شماره: ۲۷/۶/۱۱۹هـ

صبح روز ۳۷/۳/۸۳ شیخ جعفر محمدزاده و شیخ خداداد عرفانی دو نفر از ایادی و طرفداران سیدمحمد صادق روحانی برای دیدن سیدهادی، پسندیده و سیداحمد کلانتر و ناصر مکارم شیرازی و شیخ عباس ضیغمی آمدند. پسندیده اظهار می دارد من در تمام مدت که در قم بودم، اصلاً کاری بر علیه دستگاه انجام ندادم و کراراً از سازمان امنیت تلفن می شد که شما هیچ گونه حق بیرون رفتن از منزل را ندارید و حتی من برای فاتحه یکی از بستگان از منزل خارج نشدم، امانمی دانم گناه من چه بود که تبعید شدم، لابد چون خمینی برادر من است، مرا به این گناه مستوجب تبعید دانستند.

نظریه سه شنبه: ۱۰ صحت خبر مورد تائید بوده سید صادق روحانی که چندی است در منزل خودش بازداشت و تحت نظر می باشد، چون نمی تواند با نزدیکان تبعیدیش تماس بگیرد، با اعزام چند نفر ایادی خود، از حال و روز تبعیدی ها جو یا می شود.  
۲. چون سیدهادی خسروشاهیان داماد سید صادق روحانی، مغز متفکر و ایده دهنده در زمینه اعلامیه های سیدصادق روحانی بوده و نیز وابسته به جبهه به اصطلاح ملی سابق و دارای انگیزه کمونیستی است؟! بدین جهت به سه سال اقامت اجباری محکوم شده است.

۳. تبعید سید مرتضی پسندیده برادر و نماینده تام الاختیار خمینی به دستور ستاد بوده، گرچه در طول مراقبت موارد مشکوکی از او مشاهده نشده، معهذراً در ضربت زدن به دار و دسته خمینی موثر قرار گرفته و تبعید وی موجب شد که روحانیون افراطی و طرفدار خمینی خود را جمع و جور نمایند.

۴. سید مرتضی پسندیده به هنگام صورت جلسه کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی به رای صادره اعتراض و ذیل آن را به این صورت امضا



۱۳۵۷. مسجد جامع انارک، شب نیمه شعبان. از راست: آیت اله ناصر مکارم، حجت الاسلام سید احمد خسروشاهی، حجت الاسلام سید احمد کلاتر و حجت الاسلام سید احمد خراسانی.

باسمه تعالی  
حضرت آیت الله العظمی آقای شریعتمداری  
دام ظلّه العالی  
حتماً خاطر مبارک مسبوق است که حدود ۵۰ نفر از علما و اساتید حوزه علمیه قم و سایر شهرستان ها و وعاظ، بدون هیچ گونه مجوز شرعی و حتی بدون رعایت موازین قانونی خودشان، بدون تشکیل دادگاه و فقط به دستور کمیسیون امنیت! که مدعی و قاضی و مجری در آن یکی است؛ در تبعیدگاه هائی به سر می برند که بعضاً سخت بد آب و هوا و فاقد وسایل اولیه زندگی است و با اینکه کتباً و تلگرافاً به این حکم غیرقانونی اعتراض کرده اند، برخلاف تمام ادعاهایی که در رسیدگی به جرایم می کنند، گوش هیچ کس بدهکار نیست و گویا سلامتی و وقت و فکر و اندیشه و کار این گروه کثیر از علما و روحانیون برای آنها مطلقاً اهمیتی ندارد؛ لذا چنانچه حضرت عالی اجازه فرمایند، همگی به سوی قم حرکت خواهیم کرد. آنها که هیچ گونه احترامی برای قوانین خود قائل نیستند، نباید انتظار آن را از دیگران داشته باشند. منتظر پاسخ و اعلام نظر حضرت عالی هستیم.

ناصر مکارم، سید احمد خراسانی، عباس ضیغمی، سید هادی خسروشاهی، سید احمد کلاتر.

همین متن به عنوان حضرت آیت الله گلپایگانی مخابره گردیده است. معینی.  
اما متن پاسخ آیت الله شریعتمداری:  
قم- انارک ۱۳۵۷/۵/۲۲  
انارک حضرات حجج الاسلام و علمای اعلام: آقای ناصر مکارم شیرازی، آقای سید احمد خراسانی، آقای عباس ضیغمی، آقای سید هادی خسروشاهی و آقای سید احمد کلاتر دامت تائیداتهم  
با ابلاغ سلام و تحیات، تلگراف آقایان واصل و ملاحظه گردید. تبعید آقایان محترم از خانه و کاشانه خود و از حوزه علمیه به شهرهای دور افتاده و بد آب و هوا که بدون دلیل و مجوز صورت گرفته، بسیار ناراحت کننده و تأسف آور است. البته این عمل با سایر بی عدالتی ها که امروز در جمیع شئون مملکت ساری و جاری است ارتباط نزدیک دارد و با وجودی که ارتباط مستقیم ممکن نیست، ولی اعتراضاتی به عمل آمده است. اگر نتیجه ای حاصل نشود، آقایان محترم در اتخاذ هر تصمیمی که صلاح بدانند مختارند. خداوند متعال اسلام و مسلمین را مظهر و منصور فرماید.

سید کاظم شریعتمداری.  
روی پرونده ناصر مکارم شیرازی ضمیمه و بایگانی شود.  
مرحوم آیت الله گلپایگانی هم در تاریخ ۱۳۵۷ طی نامه ای خطاب به آیت الله ناصر مکارم شیرازی و دیگر آقایان تبعیدی، با اعلام: "تلگراف جناب عالی و سایر آقایان محترم تبعیدشدگان که متضمن کسب دستور جهت مراجعت به قم بود، رسید و سپس ضمن اشاره به رفتارهای غیرقانونی

دادگاه استان مرکز احاله خواهد شد. خواهشمند است دستور فرمائید با توجه به سوابق امر و نحوه اعمال حاد ارتكابی مشارالیه، ضمن در نظر گرفتن مقتضیات امنیتی، در این زمینه رسیدگی های لازم معمول و از نتیجه اقدامات قانونی این سازمان را آگاه سازند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور:  
سپهبد مقدم  
مدیرکل اداره سوم: ثابتی  
۳۷/۳۳۰  
گیرنده:  
ارایاست سازمان اطلاعات و امنیت اراک (۲۲ه)  
جهت اطلاع.  
۲.ارایاست سازمان و اطلاعات و امنیت قم (۲۱ه)  
بازگشت به شماره ۳۷/۳۲۱-۷/۶۲۹ جهت اطلاع.  
۳۱۲/۳۶۶  
رهر عملیات: مجتبی ۳۷/۳۳۰  
رئیس بخش ۲۰۳۱۲ پیری  
۵۲-۱۱۵ رئیس اداره یک عملیات و بررسی.  
عطاریور. ۳۷/۳۳۰

**آیا تبعیدی های انارک که قانوناً حق اعتراض به حکم کمیسیون امنیت را داشتند، اقدامی نکردند؟**  
چرا، ما نخست به دادگستری مرکز شکایت کردیم و حتی مخفیانه با آقای سید احمد کلاتر و با ماشین قراضه ایشان به تهران آمدیم و وکیل انتخاب کردیم تا محکمه ای تشکیل شود؛ اما پاسخی در کار نبود، این بود که تلگرافی به عنوان کسب تکلیف تهیه و برای مراجع عظام قم از جمله: آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری فرستادیم که آن بزرگواران هم پاسخ هائی فرستادند و البته هر دو به دست ساواک قم افتاد که به مرکز گزارش داد که چه باید کرد؟  
این تلگراف را من تهیه کرده بودم و دوستان تبعیدی هم، امضا کردند. به نظرم آیت الله مکارم شیرازی، تمایل قلبی به امضای آن و اظهار شکوه و نارضایتی نداشتند و یا نمی خواستند مراجع قم در محذور قرار گیرند؛ اما پس از پیشنهاد ما و ملاحظه امضاها، ظاهراً به خاطر دوستان تبعیدی، آن را امضا کردند. این برداشت من از آنجا ناشی می شود که ایشان ماه ها قبل در بندر چابهار و مهاباد و سنج و ... تبعید بودند و در مرحله آخر به انارک انتقال یافته بودند و اگر قصد شکوه و اظهار تظلم داشتند، باید زودتر اقدام می کردندو اینکه در انارک حاضر شدند آن تلگراف را امضا کنند، در واقع برای مراعات نظر دوستان تبعیدی و یا احترام به آنها بود.

متن گزارش ساواک و تلگراف ما و پاسخ آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری به قرار زیر بود:

به: مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲  
از: سازمان اطلاعات و امنیت قم ۲۱ه  
شماره: ۲۷۱۰۲۴  
تاریخ: ۳۷/۴/۳۱  
درباره: تلگرف تبعیدی ها به آیات شریعتمداری و گلپایگانی  
روز ۳۷/۴/۳۱ تلگرافی به امضای ناصر مکارم، سید احمد خراسانی، عباس ضیغمی، سید هادی خسروشاهی و سید احمد کلاتر از انارک به قم جهت شریعتمداری و گلپایگانی مخابره شده و از ایشان کسب تکلیف نموده اند که چون به خواسته هایشان توجهی نشده، به قم حرکت کنند.  
متن تلگراف به شرح زیر به عرض می رسد:

در قبال این ترفند رژیم، خاطرنشان می گردد: "وظیفه ما آن است که نقشه دولت را نقش بر آب کنیم و با این خواسته او مبارزه نمائیم و نگذاریم رژیم جبار به هدف و مقصود خود برسد. لازم است با ترتیب دادن اردوها و مسافرت های دسته جمعی به تبعیدگاه ها، از آنها دیدن کنیم و بدین وسیله، هم از نظرات آنها آگاه شویم و هم آنها را از رویدادهای کشور آگاه نمائیم و ضمن موفقیت و مقدس بودن [مبارزات آنها] هدف آنها را برای مردم ساکن در تبعیدگاه ها روشن سازیم."

در ادامه، سه ساز و کار برای نیل به این اهداف ارائه شده است:  
۱. از مبدا مسافرت تا مقصد، علناً مسافرت خود را به منظور دیدار از آقایان تبعیدی معرفی نمائیم.  
۲. در صورت ممانعت پلیس با شهامت و شجاعت تمام ایستادگی کنیم و به آنها بفهمانیم که دیدار از تبعیدی یک عمل قانونی است.  
۳. سعی کنیم در مراجعت از هر یک از آقایان پیامی را برای مردم به همراه ببریم.  
**گویا جنابعالی تلگرافی هم برای مقامات دادگستری فرستاده و به ادامه توقیف و تبعید و عدم رسیدگی به پرونده اعتراض کرده بودید؟ اصل تلگراف و واکنش دستگاه در قبال آن چه بود؟**  
بلی، من طی تلگرافی به دادستانی قم، ضمن اعتراض شدید به ادامه توقیف و تبعید غیرقانونی، به علت کسالت همسرم خواستار سفر به خارج برای معالجه نامبرده و التزام به مراجعت فرستادم که البته با آن هم موافقت نکردند، ولی واکنشی از سوی ساواک طی نامه ای، خطاب به وزیر دادگستری ابراز شده که متن آن بعدها به دست ما آمد:

متن تلگراف من چنین بود:  
انارک ۱۶۴ کلمه ۲-۱  
بسم الحقیقجناب آقای دادستان محترم قم  
توقیراً در تاریخ ۵۷/۲/۲۵ مامورین شهربانی قم اینجانب را به نام رای کمیسیون امنیت قم شبانه دستگیر و به انارک نائین در وسط دشت کویر تبعید کردند. با توجه با اینکه این امر برخلاف قانون اساسی کشور و هرگونه اصل حقوقی و قضائی است، چون مقدمات قانونی امر مانند بازپرسی و دفاع مراعات نشده است، انتظار دارد پرونده اتهامی در یک دادگاه صالح قضائی، با حضور هیئت منصفه مطرح گردد تا بتوانم آزادانه از حقوق انسانی خود دفاع کنم. ضمناً همسر اینجانب مبتلا به مرض صعب العلاج است و در سال گذشته وی را برای معالجه به خارج کشور بردم و خرداد امسال هم برای عمل جراحی نامبرده عازم خارج بودیم که با تبعید اینجانب، معالجه غیرمقدور شد و خطر حتمی جان او را تهدید می کند و مسئولیت شرعی و قانونی و اخلاقی آن به عهده شماست و من قانوناً با سپردن تضمین لازم باید بتوانم همسرم را به خارج ببرم و بلافاصله مراجعت نموده و خود را معرفی کنم. سید هادی خسروشاهی"

واکنش و توضیح ساواک در قبال آن، به دادگستری چنین بوده است:  
به: وزارت دادگستری  
از: ساواک  
درباره: هادی خسروشاهیان (خسروشاهی)، فرزند مرتضی، شغل واعظ  
چون برابر سوابق موجود، نامبرده بالا در شهر ستان قم با ایجاد هیاهو و جنجال، مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک نموده، به نحوی که موجبات سلب آسایش و اخلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم ساخته است؛ لذا برابر رای کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم، در مورخه ۳۷/۲/۲۱ به سه سال اقامت اجباری در شهرستان انارک اصفهان محکوم و چون طبق اطلاع، وی نسبت به رای مذکور اعتراض نموده و پیرونده امر جهت رسیدگی رسیدگی و پیگیری در این خصوص، خواهشمند است دستور فرمائید باتوجهسوابق امرونده اصال حاد ارتكابی مشارالیه ضمن رفتارگشتن تخلفات امنیتی و در این زمینه رسیدگی های لازم معمول و نتیجه اقدامات قانونی این سازمان را آگاه سازند و با رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سهید مقدم

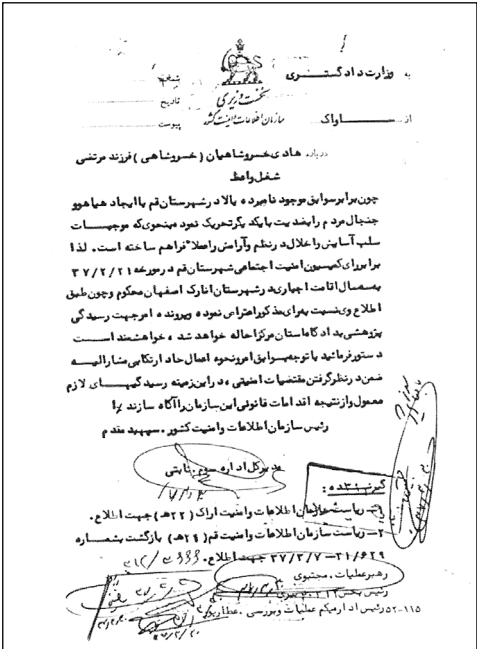
می نمایم (پیرمر ۸۴ ساله سید مرتضی پسندیده) از طرفی وانمود می کند که مردم می گویند مقصر دولت است. محترماً به استحضار می رساند ۳۷-۷/۴/۵ نسخه فتوکی  
در پرونده ۴۹۹۷۶ بایگانی شود. مجتبی ۳۷/۴/۷  
بدین ترتیب معلوم می شود که علت تبعید اینجانب بر خلاف آنچه که در گزارش کمیسیون امنیت اجتماعی آمده: "اخلال در امنیت شهر و ایجاد اغتشاش" نبوده، بلکه حقیر اولاً مغز "متفکر و ایده دهنده" اعلامیه های حضرت آیت الله روحانی بوده ام! و ثانیاً وابسته به "جبهه ملی" می باشم که با آن از سال ۱۳۳۲ مخالف بوده ام و ثالثاً دارای انگیزه کمونیستی "هم هستم!!"

این نوع تحلیل های احمقانه که البته ما پس از انقلاب از آنها آگاه شدیم، نشان دهنده فقر کامل تحلیلی و اوج درماندگی ارکان نظام شاه است که یک فرد واعظ!! و یا محصل علوم دینی را وابسته به "جبهه ملی" می نامد که گویا دارای انگیزه های کمونیستی! هم هست، آیا به دیوانگی نمی ماند این داوری؟... راز سقوط دیکتاتورها و رژیم های توتالیتر در دل این قبیل اندیشه ها و مدافعان! احق نهفته است و: الحمدلله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء.

**پس از تبعید علما و روحانیون و وعاظ، آیا مراجع عظام و در راس آنها امام خمینی و یا فضل و طلاب حوزه ها، واکنشی از خود نشان نمی دادند؟**  
چرا، واکنش ها البته مختلف و متفاوت بود. از کمک های مادی گرفته تا همکاری های معنوی و نوشتن نامه های خصوصی به مراجع و یا نشر اعلامیه ها در دفاع از تبعید شدگان و اهداف آنها، از جمله این اقدامات بود. طلاب حوزه های علمیه قم و نجف هم با صدور بیانه های متعددی به افشاگری علیه رژیم می پرداختند و یا با نشر اسامی و محل تبعید علما و روحانیون، اکاذیب منتشره از سوی مقامات رژیم را افشا کردند و از مردم می خواستند که به ملاقات آنها بروند. در این زمینه، بی مناسبت نیست که اشاره ای به یک اعلامیه که با امضای "حوزه علمیه قم" در باره ضرورت دیدار با تبعیدشدگان، صادر شده، داشته باشم.

این اعلامیه با این پرسش که "چرا رژیم ضد اسلامی، روحانیان مبارز را تبعید می کند؟" آغاز می گردد و سپس چنین پاسخ می دهد: "برای آنکه از شهر و دیار خود دور باشند و در جاهایی که مردم با آنها بیگانه هستند به سر برند تا به گمان باطل آنها، نتوانند مسئولیت های اسلامی خود را انجام دهند و جنبش آزادی بخش را به فرجام رسانند و به تدریج انسان هایی بی اثر گردند و رژیم جبار طاغوتی از فعالیت های آنها در امان بماند."

در ادامه این اعلامیه، درخصوص وظیفه مبارزان



## خاطرات

## ۸- نیمه دوم آبان ماه - شماره ۱۵



▲ ۱۳۵۷. مسجد جامع انارک، شب نیمه شعبان. از راست: حجت الاسلام مجید انصاری و حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی

دولت و سلب آزادی مردم و عدم مجازات عاملان دولتی، قتل و حبس و شکنجه مردم... می نویسند:

...چگونه ممکن است در هر شهری چند نفر با نام کمیسیون امنیت اجتماعی بتوانند طبق دستوراتی که به آنها می دهند، علما و فضلا و گویندگان و نویسندگان روشنفکر و بازرگان متدین را که خواهان استقلال و سربلندی و سعادت و نجات مملکت از استعمار می باشند، به هر کجا و هر نقطه، ولو بد آب و هوا تبعید نمایند و به اعتراض آنها ترتیب اثر ندهند... با این وضع، حقیر چه دستوری بدهم جز اینکه عرض کنم بدون جهت، با اختیار تسلیم ستمکار شدن مجوز شرعی ندارد.

**آیت الله پسندیده این تلگراف را امضا نکردند؟**  
آیت الله پسندیده را به علت بیماری و عارضه شدید که در چشمشان به وجود آمده بود، نخست به داران و سپس به خمین منتقل کردند و تحت نظر بودند تا معالجه شوند. این تلگراف، پس از انتقال ایشان از انارک به تبعیدگاه جدیدشان، فرستاده شد و لذا امضای ایشان نبود. البته نمی دانم که اگر هم در انارک بودند، آن را امضا می کردند یا نه؟

**ماجرای آزادی شما و دیگر آقایان چگونه بود؟**  
اشاره کردم که پس از چند ماه تبعید، آیت الله پسندیده را به داران و خمین منتقل کردند، چون آب و هوای گرم و محیط کویری و طوفان شن و گرد و خاک بی حساب، ایشان را به بیماری مبتلا کرده بود. ما هم دیدیم که به رغم اعتراض به مقامات قضائی،



▲ روزنامه کیهان، ۹ شهریور ۱۳۵۷

کسی پاسخ گوی ما نیست، و پس از وصول پاسخ آقایان مراجع که در واقع غیرقانونی بودن تبعید را رسماً اعلام نموده و تسلیم با اختیار را هم مشروع ندانسته اند، تصمیم به مراجعت گرفتیم؛ لذا همان طور که آیت الله ناصر مکارم شیرازی در خاطرات خود نوشته اند، نخست ایشان بدون موافقت دستگاه و به عنوان مراجعه به وکیل به قم برگشتند و به دنبال ایشان ما هم بدون کسب اجازه! از مقامات دولتی، راهی قم شدیم و خود را آزاد کردیم؛ اما روزنامه ها نوشتند که

۷ نفر از روحانیون آزاد شدند!!

**اگر خاطره ای در مورد تبعید حضرت آیت الله مکارم شیرازی، از مراجع عظام فعلی در قم دارید، نقل آن مکمل این گفتگو خواهد بود.**

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی که استاد ما و یکی از علمای تبعیدی به انارک بودند، خود درباره چگونگی آغاز تبعید و تغییر مکان ها که سرانجام به انارک منتهی شده بود، مطالبی را تحت عنوان: ۷ ماه در تبعید نوشته اند که در روزنامه کیهان مورخ پنجشنبه ۴ آبان ۱۳۵۷ چاپ شده است و ما برای تکمیل و مستندتر نمودن تاریخ تبعیدی ها، خلاصه ای از آن را در اینجا نقل می کنیم:

... روز ۱۸ دی ماه ۱۳۵۶، روز پرهیجانی در قم گذشت و همه مراجع قول دادند برای رفع این توهین اقدام کنند. روز بعد کار بالاتر گرفت و سیل جمعیت افزون تر شد. آن روز برنامه این بود که به خانه های آساتید حوزه علمیه بروند و چنین شد، از جمله سراغ اینجانب در مدرسه امیرالمؤمنین (ع) آمدند. داخل و خارج مدرسه و خیابان از جمعیت موج می زد و من در سخنرانی کوتاهی که کردم، نخست از یکپارچگی و وحدت جمعیت و مشت محکمی که مردم بر دهان نویسنده مقاله و همفکران او زده بودند، تشکر کردم و گفتم شما با این کار نشان دادید این گونه هتاک ها بعد از این بدون جواب نخواهد ماند و به این ارزانی که آنها گمان می برند، تمام نخواهد شد. سپس اضافه کردم اگر بزرگ قوم را این چنین هتک کنند، چه احترامی برای دیگران می ماند؟ اگر باید بمیریم همه با هم بمیریم و اگر بناست زنده بمانیم، همه با هم زنده بمانیم.

ماموران امنیتی قم، برای تبرئه خود از این خشونت و کشتاری سابقه، طبق معمول دست به کار پرونده سازی شدند و طبق رای کمیسیون امنیت اجتماعی که زیر نظر فرماندار و چهار تن دیگر از روسای ادارات تشکیل گردید، اینجانب و شش نفر دیگر از آقایان در حوزه علمیه قم و چند نفر از تجار محترم بازار را محرکین اصلی این حادثه معرفی و حکم تبعید سه ساله (حداکثر تبعید) را برای همه صادر کردند.

رئیس ساواک قم هنگامی که در اتاقش به من اعلام کرد باید به تبعیدگاه بروم، گفتم: ای کاش آن کس که این حکم را صادر کرده، اینجا بود تا با او سخن می گفتم. بی تامل گفتم: آن کس منم! بفرمائید. (و در آنجا بود که مفهوم کمیسیون امنیت اجتماعی را فهمیدم!) گفتم: به هر حال مطلب از اینها گذشته، بفرمائید.

... سرانجام پس از حدود ۵۰ ساعت راه پیمودن به بندر چابهار، در مرز پاکستان و در ساحل دریای عمان، یعنی دورترین نقطه کشور رسیدیم، خسته و کوفته و بیمارگونه. در طول راه کراراً به یاد منشور جهانی اعلامیه حقوق بشر (و روز و هفته ای که در سال بدان اختصاص داده اند) بودم.

... مردم چاه بهار- مانند سایر نقاط کشور- از نظر مذهبی نیز محرومیت شدید دارند و باید اعتراف کنم که اگر مرا به آنجا نفرستاده بودند، به پای خود نمی رفتم و چه خوب شد که رفتم و از نزدیک دیدم و مسئولیت ها را درک کردم. یکی از اهالی می گفت ما باید خدا را شکر گوئیم و به آنها که شما را اینجا فرستادند، دعا کنیم والا ما کجا و این برنامه ها کجا؟

ساواک بنا به دلایل نامعلومی محل آیت الله مکارم را تغییر داد و پس از مدتی، ایشان را به شهر مهاباد منتقل کرد. آیت الله مکارم در این باره می نویسند:

۵۰ روز در چابهار گذشت. اواخر اسفند بود و هوا به سرعت رو به گرمی می رفت، بدن ها عرق سوز شده بود! نگران فرا رسیدن بهار و تابستان بودیم که ناگهان فرمان حرکت به سوی "مهاباد" در شمال غربی کشور، صادر شد! با دو مامور، یکی شیعه و دیگری سنی، یکی مسلسل به دست و دیگری با اسلحه کمری، یکی حرف زن و دیگری تیرانداز ماهر، با مقدار زیادی فشنگ اضافی، این فاصله سه هزار و دویست کیلومتری را در مدتی قریب به یک هفته پشت سر گذاشتیم و در میان برف و سرما وارد مهاباد شدیم!

... با اینکه میل داشتم از آن فرصت گرانبها استفاده کرده و با علمای اهل تسنن در مسایل مختلف، اسلامی گفتگو کنم و آنها نیز متقابلاً چنین تمایلی داشتند، اما بر اثر فشار شدید دستگاه، قبل از گذشتن چهل روز، این توفیق دست نداد. در آن محیط، همه از هم می ترسیدند و سایه سنگین دستگاه های امنیتی ساواک و غیره بر همه جا افتاده بود.

سومین تبعیدگاه: انارک  
خاطرات تلخ و شیرین این شهر پر برکت را- با تمام اهمیتی که دارد- برای رعایت کوتاهی سخن، رها می کنم و به سراغ سومین تبعیدگاه، یعنی شهر کویری انارک از توابع نائین می روم. یک روز رئیس اطلاعات شهربانی مهاباد به منزل آمد که نامه ای از قم آمده و مثل اینکه مشکل پایان یافته و شما باید به شهربانی بیایید!...! اما در شهربانی گفتند شما باید هم الان به سوی انارک نائین حرکت کنید و حتی حق بازگشت به منزل و روشن ساختن وضع همسر و فرزند را هم- که نزد ما ۱۳۵۷. انارک، آیت اله مکارم شیرازی و حجت الاسلام سید هادی بودند- نداشت. تا خواستم مفاد اعلامیه جهانی خسروشاهی حقوق بشر را یادآور شوم، دو مامور مسلح، با دو قبضه مسلسل را در برابر خود دیدم. این شهرک، همان گونه که از نامش پیداست، تعداد کمی درخت انار دارد و دیگر از آب و آبادی هیچ. و کویر پهناور مرکزی، از چهار سو آن را احاطه کرده است. چند کوچه پهن آسفالتی دارد که از ناچاری نام خیابان بر آن گذارده اند و همه آنها به بیابان برهوت خشک و سوزانی منتهی می شود.

... دلخوشی ما در آن شهر علاوه بر محبت مردم و دوستان فراوانی که از اصفهان و یزد و نائین و کاشان و سایر نقاط به دیدن ما می آمدند، این بود که آیت الله پسندیده، برادر ارجمند و محترم امام خمینی و چند نفر دیگر از دوستان، در آنجا تبعید بودند، آنها را قبلاً به عنوان تبعیدی به آنجا آورده بودند و از مصاحبت ایشان لذت می بردیم.

دو سه ماهی در آنجا گذشت که یک روز خبر آوردند که جای شما عوض شده و باید فردا به تبعیدگاه چهارم، "حیرفت" حرکت کنید، مامورین و ماشین آماده اند. من با خاطره ای که از زمستان آنجا در ذهن داشتم، می دانستم منطقه ای است میان کرمان و بندرعباس، گرم و سوزان و رفتن به آنجا، آن هم در وسط ماه مبارک رمضان و روزه گرفتن، به هیچ وجه کار آسانی نیست. به علاوه معنی ندارد که ما خاموش بنشینیم و مانند توپ فوتبال هر روز به سویی پرتاب شویم. فوراً راننده را خبر کردم و شبانه از انارک از بیراهه به قم آمدم. اتفاقاً مقارن همین اوضاع ایام دگرگون شد و انقلاب شتاب گرفت و به ثمر نشست و همه زندانیان سیاسی و تبعیدی ها آزاد شدند و جباران و سردمداران فرار کردند، با به زندان افتادند و با اعدام شدند.

سرانجام این درس بزرگ را فهمیدم که زندان، عناصر انقلابی را پخته تر و آگاه تر و مقاوم تر می کند و

## پیام

تبعیدی ها ندای انقلاب را به نقاط دور و نزدیک می رسانند!

این خلاصه ای از خاطرات حضرت آیت الله مکارم شیرازی بود که در اوائل انقلاب، درباره چگونگی تبعید خودشان نوشته بودند.

**اشاره کردید که آزادی شما در جراند وقت هم منعکس گردید؟ نمونه ای از آن انعکاس ها را بیان کنید.**

خبرنگار روزنامه کیهان در قم مرحوم بابائی با من آشنا بود و به عنوان اینکه من تازه آزاد شده بودم، به ملاقات من آمد و گفتگوی کوتاهی داشت که در شماره مورخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ کیهان، در صفحه اول و دوم، با عنوان: آزادی ۷ نفر از علما چاپ شد. البته از نظر گزارش های ساواک همه آقایان تبعیدی "واعظ" بودند... و این بار، همه آنها به عنوان "حجه الاسلام"!



▲ ۱۳۵۷. انارک، آیت اله مکارم شیرازی و حجت الاسلام سید هادی

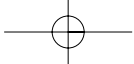
معرفی شدند که این ناشی از ناآگاهی ساواک و اهالی قلم آن زمان نسبت به موقعیت و مقام علما و عدم تشخیص بین آیات و حجج اسلام و وعاظ بود. همین امر متأسفانه موجب سوء تفاهمی شد و بعضی ها چنین تصور نمودند که گویا بنده عامل چنین تیرزدنی هستم تا خود را همسان بزرگان قلمداد کنم! در حالی که نه نیازی به این امر بود و نه من از تیر موضوعی که کیهان می خواست منتشر کند، خبر داشتم. به هر حال خبر کیهان چنین بود:

۷ روحانی تبعیدی آزاد شدند.  
هفت تن از روحانیون سرشناس حوزه علمیه قم که از مدت ها پیش به نقاط مختلف کشور تبعید شده بودند، طی سه روز گذشته آزاد شدند و به قم بازگشتند. حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید مرتضی پسندیده، برادر ۸۵ ساله

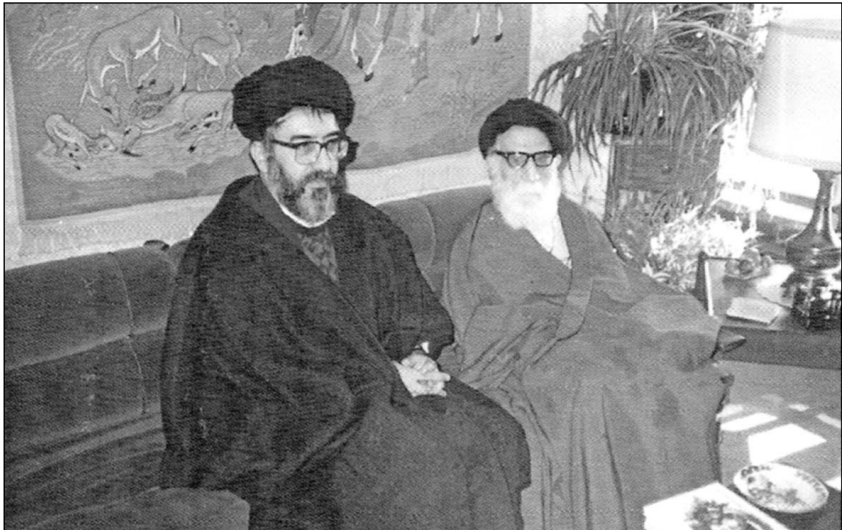
حضرت آیت الله العظمی روح الله موسوی خمینی و حضرت حجت الاسلام ناصر مکارم شیرازی، مدیر مجله مکتب اسلام، از جمله روحانیون تبعیدی آزاد شده هستند. این دو روحانی سرشناس و همچنین حضرت حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی، مدیر مرکز بررسی های اسلامی قم، بر اساس رای کمیسیون امنیت اجتماعی قم تبعید شده بودند. حضرت حجت الاسلام سید مرتضی پسندیده، برادر بزرگ حضرت آیت الله العظمی خمینی، ابتدا به انارک یزد و سپس خمین تبعید شده بودند.

رای کمیسیون امنیت اجتماعی قم، درباره تبعید حضرت حجت الاسلام مکارم شیرازی، در تاریخ ۲۱ دی ماه سال گذشته صادر شد و ایشان ابتدا به چابهار تبعید گردیدند و مدت ۵۰ روز در چابهار به سر بردند و پس از ۵۰ روز به مهاباد انتقال یافتند و سرانجام در تیرماه سال جاری به انارک یزد تبعید شدند و تا سه روز پیش، ۶ شهریور، در این منطقه کویری بودند.





به همان انارک می فرستادند! البته عذر او موجه نبود، برده بود که ایشان هم مطلب مرا تایید و امضا کرده



▲ اسفند ۱۳۷۰. جمشیدیه تهران، آخرین دیدار حجت الاسلام خسروشاهی با آیت اله پسندیده

ولی زندان رفتن او هم سودی برای جامعه نداشت، بلکه خانواده و فرزندان وی بی سرپرست می شدند؛ این بود که همان وقت نامه‌ای به دادگاه انقلاب قم نوشتم که: «برادران! من شکایتی از آقای حسین جامعی، فرماندار سابق قم ندارم و نامبرده در امضای حکم، مختار نبوده و مضطر بوده است.» مسئولین دادگاه نامه مرا پذیرفتند و به این ترتیب حکم صادره، لغو شد. نامبرده نامه مرا خدمت آیت الله پسندیده نیز

## پاسخ آیت الله العظمی گلپایگانی به نامه آیت الله مکارم شیرازی و سایر علمای تبعیدی به انارک یزد



که قانون و مجلس و حکومت مشروطه و انجمن ها به صورت اسم هائی بی مسمما درآمده اند که فقط از اسم آنها در جهت گسترش استبداد و نفوذ دشمنان اسلام و خفه کردن صدای مسلمانان آزادیخواه و کوبیدن معترضین به مداخله کردن بیگانگان در امور مملکت استفاده می شود و به این همه اعتراضات و تظاهرات جز کشتار مردم بی گناه و حبس و تبعید جوابی داده نشده. جای تاسف است در مملکتی که از نتایج انقلاب کذائی اش این است که محکمه‌ای که صلاحیت محاکمه یک زن قاتل آمریکائی را داشته باشد وجود ندارد و به عدم صلاحیت خود رای می دهد تا به کشور خود برود و آزادانه از نتایج انقلاب برخوردار باشد؛ ولیکن در هر شهری چند نفر به نام کمیسیون امنیت می توانند طبق دستوراتی که به آنها بدهند، علما و فضلاء و گویندگان و نویسندگان روشنفکر و بازرگانان متدین را که خواهان استقلال و سربلندی و سعادت و نجات مملکت از استعمار می باشند به هر کجا و هر نقطه ولو بد آب و هوا تبعید نمایند و به اعتراض آنان ترتیب اثر ندهند. با این وضع حقیر چه دستوری بدهم جز اینکه عرض کنم بدون جهت با اختیار تسلیم ستمکار شدن مجوز شرعی ندارد. قطع ایادی کفار و رفع شر حکومت جبار را از خداوند قهار جل و علا مسئلت دارم.

بسم الله الرحمن الرحيم  
(انارک)  
جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای مکارم. تلگراف جنابعالی و سایر آقایان محترم تبعیدشدگان که متضمن کسب دستور جهت مراجعت به قم بود واصل. حقیر از اینکه مقامات مملکتی آزادی مردم را محترم بشمارند و به اعتراضات، اگرچه طبق قوانینی باشد که خودشان برای تحکیم بنیان استبداد و سلب آزادی و هتک حرمت حقوق انسانی افراد وضع کرده اند، ترتیب اثر دهند، مأیوس می باشد - زیرا اگر حکومت مملکت حکومت قانونی بود، می بایست کسانی که به قتل و حبس و شکنجه و تبعید علما و طلاب و دانشگاهیان و بازرگانان اقدام کرده اند در محاکم قانونی محاکمه و مجازات شده باشند. همه می دانند

اجازه را به شما نداد؟

من پس از انقلاب همچنان در قم و در بیت امام، خدمت ایشان می رسیدم. یک بار هم مبلغی را به من دادند که به انارک ببرم و بین فقرا توزیع کنم و من با ماشین خودم، همراه با یک نفر، به انارک رفتم و آن مبلغ را بین اشخاص و خانواده های فقیری که از قبل می شناختم، توزیع کردم. بعدها و پس از انتخاب به عنوان سفیر ایران در واتیکان هم برای خداحافظی خدمت ایشان رفتم. ایشان کاملاً از این امر تعجب کردند و گفتند: شما نروید! در ایران وجود شما لازم تر است. ما فرد آگاه با امور بین المللی و تبلیغات، نداریم یا کم داریم. شما نروید تا من با رئیس جمهور تماس بگیرم. من گفتم: این انتخاب با نظر موافق حضرت امام انجام گرفته و در خارج هم من علاوه بر امور سیاسی، به مسائل فرهنگی و تبلیغی خواهم پرداخت. و خداحافظی کردم. بعدها یکی از منسوبین نزدیک ایشان، کپی نامه‌ای را به من داد که مرحوم آیت الله پسندیده همان وقت ها به آقای بنی صدر نوشته بودند که مانع از رفتن من بشود! متن نامه ایشان بدون هیچ گونه شرحی، چنین بود: ۵۸/۱۲۹

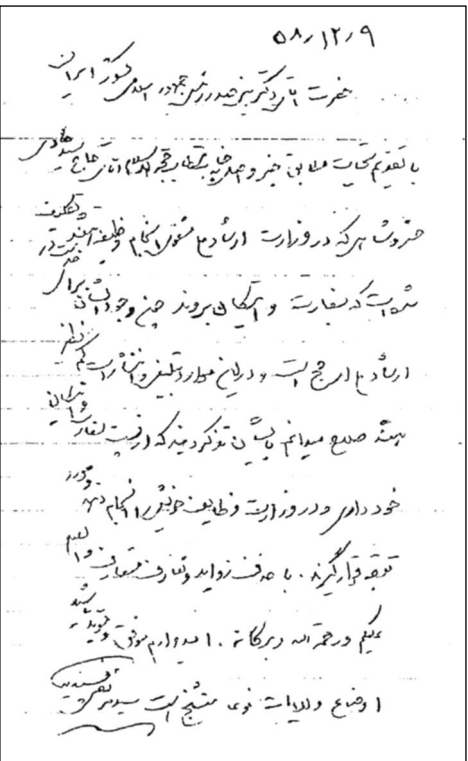
حضرت آقای دکتر بنی صدر رئیس جمهور اسلامی کشور ایران با تقدیم تحیات، مطابق خبر واصل، به جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید هادی خسروشاهی که در وزارت ارشاد ملی مشغول انجام وظیفه هستند، تکلیف شده است که به سفارت واتیکان بروند. چون وجود ایشان برای خدمت در ارشاد ملی، ارجح است و ایشان در این موارد تبلیغی و انتشارات کم نظیر هستند، صلاح می دانم به ایشان تذکر دهند که از قبول پست سفارت واتیکان خودداری کنند و در وزارت، وظایف خویش را انجام دهند و مورد توجه قرار گیرند. با حذف زواید تعارف متعارف. امیدوارم موفق و مؤید باشید. اوضاع ولایات نوعاً متشنج است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. سید مرتضی پسندیده

آخرین دیدارتان با ایشان کی بود؟

اسفند ماه ۱۳۷۰ در جمشیدیه، خدمت ایشان رسیدم. نخست مرا نشناختند. فرزند ایشان، آقای مهندس پسندیده به من گفت: آقاچون کمی حافظه خود را از دست داده اند.» و بعد مرا معرفی کرد. آیت الله پسندیده گفتند: پس چرا پس از انارک! دیگر دیدن من نیامدید؟ گفتم: «حاج آقا! در قم چندین بار خدمت شما رسیدم و حتی یک بار هم از طرف شما هدایائی را برای مردم انارک بردم.» گفتند: «عجب! هیچ یادم نیست. موفق باشید!» آقای مهندس پسندیده مانند انارک سال ۱۳۵۷ چند عکس از ما گرفت و خداحافظی کردم و این آخرین دیدار بود.

دیداری با امضاکنندگان حکم تبعید شما در دادگاه های انقلاب یا بیرون نداشتید؟

من هیچ گونه ارتباطی با دادگاه های انقلاب نداشتم، ولی یک نفر از امضاکنندگان حکم تبعید را که فرماندار قم بود، در تهران دیدم که برادرمان آقای محمود هاشمی رفسنجانی (معاون وقت فرمانداری قم)، او را در دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه نزد من آورد و او آقای حسین جامعی بود. نامبرده حکمی را نشان داد که وی به علت امضای حکم تبعید من، در دادگاه انقلاب قم به پنج سال زندان محکوم شده است و اگر من رضایت ندهم، باید این مدت را در زندان سپری کند. من از نامبرده پرسیدم که: آیا واقعا شما می توانستید و اختیار داشتید که حکم را امضا نکنید یا مجبور بودید؟ گفت: «هرگز! ما چه اختیاری داشتیم؟ اگر دستور ساواک را امضا نمی کردیم، زندگی مان را سیاه می کردند! یا ما را هم



▲ تصویر نامه آیت اله پسندیده به بنی صدر درباره انتصاب حجت الاسلام خسروشاهی به سفارت ایران در واتیکان

حضرت حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی، مدیر مرکز بررسی های اسلامی قم، از اردیبهشت ماه امسال با رای کمیسیون امنیت اجتماعی قم، به انارک یزد تبعید شده بودند. چهار روحانی تبعید شده دیگر که اخیراً آزاد شدند، عبارتند از: حجت الاسلام عندلیب زاده از علمای مشهور همدان که براساس رای کمیسیون امنیت اجتماعی شهر، به پاهو کردستان و حضرت حجت الاسلام حاج سید مجتبی حسینی یکی دیگر از علمای سرشناس همدان که به دیواندره و سندج تبعید شده بودند و حضرات حجج اسلام صاحب الزمانی و سید علی اکبر قریشی از علمای دینی رضائیه که هر دوی آنها بر اساس رای کمیسیون امنیت اجتماعی آن شهر، به بافت کرمان تبعید شده بودند.

چرا علما را تبعید کردند؟

حضرت حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی که اخیراً از تبعیدگاه خود به قم بازگشته اند، در مصاحبه‌ای کوتاه گفتند: از ۹ ماه پیش، گروهی از علما و اساتید حوزه علمیه قم، به اتهامات واهی به نقاط بد آب و هوای کشور تبعید شدند. کاری ندارم که اصلاً قانون کمیسیون امنیت اجتماعی برخلاف قانون اساسی کشور است، ولی طبق همین قانون، باید پرونده افراد تبعیدی، خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار گیرد، در حالی که در چند ماه گذشته، مقامات دادگستری از تشکیل دادگاه خودداری ورزیدند و عملاً حکم ظالمانه‌ای را که چند مامور، درباره عده‌ای از روحانیون روا داشته بودند، تایید کردند.

حضرت حجت الاسلام خسروشاهی افزودند: «جالب است که در رای کمیسیون امنیت اجتماعی، مامور مدعی، قاضی و مجری یکی است و این نشان می دهد که تا چه حدودی حقوق انسانی هر متهمی پایمال می شود، زیرا حتی بدون بازجویی و با حکم غیابی چند مامور، افراد را تبعید می کنند. هم اکنون بیش از ۵۰ عالم روحانی و واعظ، در تبعیدگاه های بد آب و هوای کشور به سر می برند.

مدیر مرکز بررسی های اسلامی قم، در پایان گفتند: «برای احیای دموکراسی، باید به این نوع اقدامات پایان داده شود و حکومت قانون برقرار گردد.» (کیهان مورخ ۹ شهریور ۵۷ صفحه ۱ و ۲)  
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیا با آیت الله پسندیده دیداری داشتید یا اشتغالات روزمره این

# سید جمال الدین و علم زدگی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ثقفی

که چگونه در پرتو ایمان و اسلام، جامعه ای متحد و پیشرو به وجود آوردند و از مرز جبال آلپ تا سور (مرز) چین به تصرف درآوردند و غرور و دماغ آکاسره<sup>۱</sup> و قیاصره<sup>۲</sup> را به خاک مذلت مالیدند. تا این که طبیعت گرایان باطنیه از قرن چهارم در مصر و ایران به ظهور رسیدند و اباحی گری را رواج دادند و به مرور زمان اخلاق امت محمدیه را شرقاً و غرباً فاسد کردند. و نتیجه این فروپاشی اخلاقی و فُشَل اجتماعی دین شد جماعت از صعالیک (دزد) فرنگ در قرن خامس به اراضی شایمیه هجوم کرده و شهرها و... را خراب نمودند و تا قریب دو صد سال مسلمانان را دفع آن صعالیک عاجز ماندند. (همان، ص ۵۸)

سید از اوضاع نابسامان اجتماعی قرن اخیر ایران هم سخن می گوید و از فتنه باب<sup>۳</sup> یاد می کند.

## سه حزب خطرناک

سید در ادامه سخن، سه حزب نوظهور سوسیالیست و کمونیست و نیهلیست را که به نام طرفداری از عدالت و رنج بران و فقراء خود را نشان می دهند، همه را فاسد و تبهکار می داند که بر ضد کرامت انسانی و ادیان قیام کرده اند و دین را افیون ملت ها و تخدیر جامعه می دانند و انسان را، حیوانی بیش تلقی نمی کنند. این ها افکار و عقاید خود را از طریق تأسیس مدارس نشر و اشاعه دادند در تمام اقطار مملکت یورپ منتشر کردند. خصوصاً در مملکت روسیه. (همان، ص ۶۴)

## یک سؤال

در اینجا یک سؤال به ذهن خطور می کند و آن این که چرا و چگونه شد که این رساله نیچریه<sup>۴</sup> سید بر ضد عقاید سید احمد خان مطرح گردید؟ با این که خود سید جمال با سید احمد خان هندی عقاید و افکار مشترکی داشتند:

۱. هر دو با خرافات مخالف بودند؛

۲. هر دو کسب علم و دانش جدید را لازم می دیدند؛

۳. هر دو اعتلاء و عظمت مسلمین را آرزو می کردند؛

۴. هر دو مسلمانان را به فهمیدن، خواندن قرآن فرا می خواندند.

اما این گونه سید بر علیه سید احمد شمشیر کشیده و او را انتقاد می کند. با این که سید احمد خود مسلمان بوده و تجددگرا و مؤسس دانشکده اسلامی علیگره<sup>۵</sup>؛

انتقاد سید بر علیه سید احمد خان از این موضع بوده است که با این که او اسلام و طبیعت را یکی می دانسته و معتقد به بشری بودن قرآن بوده است. اما او شدیداً طرفدار حکومت انگلیسیان و هماهنگ با برنامه آنان بوده است به طوری که حکومت انگلیسیان را تصویب کرده و آن را می ستود.

این نکته ای بوده است که مورد اعتراض متفکران اسلامی استقلال خواه، ضد استعمار، امثال سید جمال و اقبال بوده است. از این جهت سید جمال مجموع اندیشه ها و گرایش های سید احمد خان را مد نظر قرار داده و او را به باد انتقاد می گیرد.

دکتر حمید عنایت نیز بر این نکته تظن

کرده و در بررسی اندیشه های سید در سیری در اندیشه سیاسی عرب<sup>۶</sup> چنین داوری می کند:

چرا رساله "حقیقت مذهب نیچری" که به عنوان نوشته ای بر ضد سید احمد خان شهرت یافته همان جنبه سیاسی عقاید سید احمد خان است. چون سید احمد خان به نام هوا خواه سیاست انگلیس در هند شناخته شده بوده است. سید جمال میان اندیشه سیاسی و فرهنگی او، فرقی نگذاشته و نیت سید احمد را بر خلاف ظاهر گفته های او، ناتوان کردن اسلام دانسته و در این میان تکیه سید احمد را روی فطرت و طبیعت انسان دلیل دهری گری باطنی او شمرده است. ۱۲

سید در نوشته های خود باز همین نوع طبیعت گرایی سید احمد خان را مورد انتقاد قرار می دهد و از اندیشه بُشری بودن قرآن او به شدت نقد می نماید.

سید جمال در شماره های متعدد العروه الوثقی<sup>۷</sup> به شدت سید احمد خان را مورد انتقاد قرار می دهد و او را عامل استعمار انگلیس می داند که ژست علم گرایی و طبیعت گرایی، عقاید الحادی را منتشر می سازد و پای استعمار را در کشور هند مستحکم ساخته و جوانان مسلمان را اغواء نماید. ۱۳

و در مجموعه مقالات خود در مقاله تفسیر و مفسر<sup>۸</sup> از تفسیر تا دلایل نامعقول او یاد کرده و او را انتقاد می کند:

به هیچ وجه این مفسر از این امور (حکمت و سیاست) کلمه ای سخن به میان نیاورده است. عجیب تر این که این مفسر رتبه مقدسه الهیه نبوت را تنزل داده، به پایه رفورمر (مصلح اجتماعی) فرود آورده است و انبیاء علیهم السلام را چون واشنگتن و ناپلئون و پالمرستون و کاری بالدی و مستر کلا دستون و موسیو کامبلتا گمان کرده است. (مجموعه مقالات، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۱۲)

## اسلام و علم

قطعاً سید طرفدار علم بوده است و مسلمانان را تشویق می کرد که علوم و دانش روز را یاد بگیرند و با آن مجهز شوند. اساساً به نظر سید یکی از عوامل ضعف اسلام (مسلمانان) را عدم آشنایی آنان با علوم روز می داند. سید در یکی از سخن رانی های خود لکچر در تعلیم و تعلم<sup>۹</sup> Lecture on the education، فراز جالبی را می گوید که عین بیان او حاوی نکات دقیقی است.

علمای ما در این زمان علم را بر دو قسم کرده اند: یکی را می گویند علم مسلمانان و دیگری را می گویند علم فرنگ. و از این جهت منع می کنند دیگران را از تعلیم بعضی از علوم نافع. و این را بفهمیدند که علم آن چیز شریفی است که به هیچ طائفه نسبت داده نمی شود و به چیزی شناخته نمی گردد. بلکه هر چه شناخته می شود و هر طائفه ای معروف می گردد به علم معرف می گردد. انسان ها را باید به علم نسبت داد نه علم را به انسان ها - چه بسیار تعجب است که مسلمانان آن علوم می را که به ارسطو منسوب است آن را به عنایت رغبت می خوانند. گویا که ارسطو یکی از ارکان مسلمانان است - و اما اگر سختی به گالیلو و نیوتون و کپلر نسبت داده

نخستین آن عقاید ثلاثه، اعتقاد است بر این که انسان فرشته ای زمین و اوست اشرف مخلوقات.

دومی: یقین است به این که امت او، اشرف رقم است و به غیر از امت او همه بر باطل و ضلال اند.

و سومی: جزم است بدین که انسان در این عالم آمده است از برای استحصال کمالات لائقه که بدان ها منتقل گردد به عالم افضل و اعلی (همان، ص ۳۵-۳۰).

سید آن گاه نتیجه عملی هر یک از این سه عقیده را شرح می دهد و خلاصه این که نتیجه اعتقاد انسان برتری خود از آفریدگان دیگر، پرهیز از خصلت های بهیمی و پیشگیری از این است که انسان چون خران وحشی و گاوان دشتی<sup>۱۰</sup> در جهان زیست کند و با همنوع خود همواره بستیزد. نتیجه یقین بر این که امت او افضل امم است. این است که ناگزیر در پی رقابت و همسری با دیگر ملت ها برخواهد آمد و در میدان فضایل با آنان مسابقه خواهد داد و نتیجه جزم به اینکه انسان در این جهان برای بهره مندی از کمالات آمده آنست که انسان بر نهج ضرورت و لزوم<sup>۱۱</sup> در تزیین و تنویر عقل خود به معارف حقه علوم صدقه بکوشد<sup>۱۲</sup> (نیچریه، ص ۳۴).

## سه صفت برجسته

و اما سه صفت برجسته که به سبب این سه اعتقاد در انسان پدید می آید حیا و امانت و صداقت است. حیا صفتی است که آدمی را از دست زدن به کاری که درخور سرزنش و نکوهش باشد باز می دارد و این صفت ملازم شرف است و انفکاک یکی از دیگری نشاید و شرف نفس مدار نظام سلسله معاملات است و اساس درستی پیمان ها و استواری عهود. و این شیمه (خصلت) عین شیمه نخوت و غیرت است که به سبب اختلاف حیثیات به دو اسم نامیده می شود. (همان، ص ۳۶)

امانت، روح و جان معاملات و مبادله اعمال است و نیز صفتی است که در هر نظام سیاسی، چه جمهوری به باشد و چه حکومت مشروطه و چه حکومت مطلقه، فعالیت چهار گروه اصلی دستگاه حاکم، یعنی سپاهیان و قانون گذاران و گردآورندگان مالیات و متصدیان صرف عواید خزینه عموم، مقوف بر آن است تا فساد در اساس حکومت راه نیابد.

و سرانجام صداقت و راستی صفتی است که از برکت آن هر انسانی می تواند در کوشش برای برآوردن نیازهای خویش و جبران ناتوانی ها و کمبودهای خویش به راهنمایی و یاری دیگران اعتماد کند. بدون صداقت، این راهنمایی و یاری سودی نخواهد داشت زیرا کاذب، قریب را بعید و بعید را قریب وانموده<sup>۱۳</sup> نافع را به صورت مضر و مضر را به صورت نافع جلوه خواهد داد<sup>۱۴</sup>

## سرگذشت ملت ها

سید برای اثبات ادعای خود، تاریخ و سرگذشت ملت ها را بررسی می کند و از اعتلاء و ترقی و انحطاط یونانیان، ایرانیان و مسلمانان سخن می گوید.

او از اعتلاء و عظمت مسلمین یاد می کند

شود، آن را کفر می انگارند - پدر و مادر علم برهان است و دلیل نه ارسطو است و نه گالیله. حق در آنجا است که برهان در آنجا بوده باشد و آنها که منع از علوم و معارف می کنند به زعم خود صیانت دیانت اسلامی می نمایند. آنها فی الحقیقه دیانت اسلامی هستند. نزدیک ترین دین ها به علوم و معارف دیانت اسلامی است و هیچ منافاتی در مبان علم و معارف و اساس های دیانت اسلامی نیست. (مقالات جمالیه) سید جمال الدین (ص ۹۵، به کوشش ابوالحسن جمالی - تهران ۱۳۱۲ -)

آنچه سید پرهیز دارد، آفت علم زدگی<sup>۱۵</sup> و برداشت های نیهلیستی و سکولاریستی از علم است و علم غیرمتعهد که دامن گیر دانشمندان غیر متعهد شده است می باشد.

سید به خوبی دریافته بود اگر پیشرفت علم و دانش های جدید سبب ترقی و علوم ملت های اروپایی گردیده است، به هیچ وجه آن به معنای سلب کرامت انسانی و زندگی بی هدف حیوان وارگی انسان نیست.

هرگز علم در دنیای علمی بی بند و باری و اباحی گری را ترویج نمی کند. آن وقت علم می تواند رسالت خود را ایفاء نماید که همراه حقیقت خواهی و کمال انسانی و به تعبیر امام محمد غزالی، نور باشد که اول خود آدمی را تربیت کرده و سپس به اصلاح اجتماع و جهان بپردازد و آن چیزی است که امروزه علم لائیک و به عبارت دیگر طبیعت گرایی Naturalism فاقد آن است و از این منظر بود که سید رساله "حقیقت مذهب نیچری" را نوشت و به مصاف لائیک ها و نیهلیست ها که به زعم او در کشور هند ترویج می شد گام نهاد.

او به خوبی می گفت سرنوشت ملت ها همواره با دانش توأم با دیانت رقم خورده است زیرا که اِنَّ اللّٰهَ لَا یَغْیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یَغْیُرُوا مَا بِاَنْفُسِهِمْ (الرعد: ۱۱)

صَدَقَ اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ

۱. منظور دائره المعارف قرن ۱۸ است که در فرانسه روشنفکران، ایررو، ولتر، منتسکیو و...، منتشر کردند.

۲. تاریخ فلسفه در اسلام ج ۴، ص ۱۸۹.

۳. آثار الصنادید، پیشگفتار.

۴. حمید عنایت

۵. شریف

۶. تاریخ فلسفه در اسلام، ص ۲۰۲.

۷. همان.

۸. همان، ص ۲۰۲.

۹. همان.

۱۰. سید جمال الدین اسدآبادی، نیچریه تا ناتورالیسم، بنگاه مطبوعاتی دین و دانش، تبریز، ۱۳۲۷.

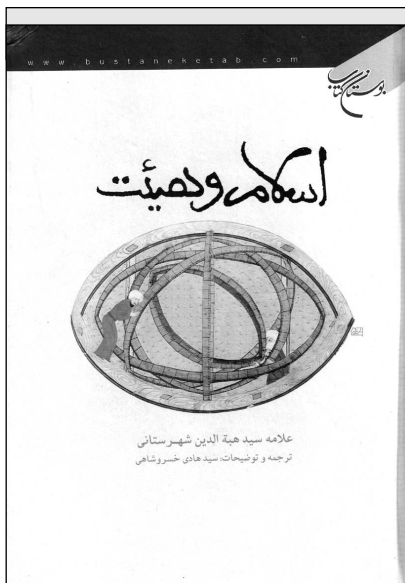
۱۱. سید جمال، نیچریه یا ناتورالیسم، ص ۴۰.

۱۲. مؤسسه دارالکتاب قم، بی جا، تنظیم سید طیب جزایری

۱۳. حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۹۴.

۱۴. دکتر محمد البهی، الفکر الاسلامی الحدیث وصلته بالاستعمار العربی، ص ۴۵.

دارالفکر بیروت، به نقل از العروه الوثقی، صص ۵۷۶-۵۷۵



علامه سید هیة الدین شهرستانی  
ترجمه و توضیحات، سید هادی خسروشاهی

آن وزید و نیست و نابودش کرد! محکمترین و عمده ترین سلاح این کتاب، شرح و تفسیر چهار موضوع مهم است که در دین اسلام آمده است: ۱- در آسمان نیز موجوداتی وجود دارد. ۲- قبه آسمان. ۳- دحوالارض. ۴- تعدد زمین ها. این موضوعات در احادیث آمده است، ولی مفاهیم آنها در نظر مردم مجهول و مبهم بود تا آن که (علامه) شهرستانی آنها را به بهترین وجه، تفسیر و توجیه نمود و حقایق آن موضوعات روشن گردید.

عالم بزرگ مصری شیخ عبدالعزیز جاویش در کتاب خود به نام الاسلام دین الفطره می نویسد: بسیار به جاست که من در اینجا یادآور شوم که یکی از مجتهدان شیعه، سید هیة الدین معروف به شهرستانی، که از علمای معاصر ماست، کتاب پر ارجی را تألیف نموده که پیوند اسلام با هیئت جدید را در آن روشن ساخته و پاره ای از مباحث ارجدار و سودمندی را در آن آورده که سزاوار است من قسمت هایی از آن را که درباره معنای آسمان از نظر قرآن آمده است، نقل کنم...

مجله الأثار چاپ لبنان - در شماره دوم سال دوم خود - می نویسد: اسلام و هیئت کتابی است که در کشف مسائل هیئت جدید، از ظواهر قرآن و احادیث، می کوشد و تألیف یکی از علمای بزرگ بغداد است... در این کتاب همه مطالبی که مربوط به علم هیئت است با استشهاد به اقوال فلک شناسان بزرگ، آمده و مباحث مفیدی مطرح شده که سزاوار است همه کسانی که علاقه ای به مسائل هیئت و فلک شناسی دارند، آن را مطالعه نمایند.

تمامی این ها گوشه ای از نامه ها و تفریض هایی است که درباره تألیف این اثر، نوشته شده است. چاپ اول کتاب 'اسلام و هیئت' در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه، ۵۷۶ صفحه و بهای ۱۱۰۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شد.

اسلام و هیئت یافتیم، ولی متأسفانه این کتاب وقتی به دست من رسید که چشمانم از روشنائی افتاده و من از فیض ترجمه آن به زبان روسی محروم شده ام. اگر چنین توفیقی نصیب من می شد، جهانیان می دیدند که چگونه دانشمندان روسیه، به اسلام روی می آوردند. بسیار به جاست که مسلمانان به وجود شما افتخار کنند، زیرا که شما در کشف و حل مسائل علمی - دینی، بر علمای اروپا، در کشفیات علمی - فنی، پیشی جسته اید.

میخائیل نعیمه استاد سرشناس نیویورک نیز می نویسد: آنچه را که شرق در سایه ایمان و تجربیات روحی و معنوی، از قرن ها پیش دریافته است، هم اکنون غرب می کوشد که به وسیله میکروسکوپ و تلسکوپ خود آن را کشف نماید و جای دقت است که غربی ها هرچه که بیشتر بررسی و تحقیق می کنند، سرانجام به شرق روی می آورند و آنگاه که گرد و غبار از چهره علوم و حقایق مشرق پاک کردند، آنها را به مثابه حقایق و کشفیات جدید، به هموطنان خود عرضه می دارند. هم اکنون غرب مشغول بررسی فلسفه های چین، هند، عرب و دیگر بلاد مشرق زمین است تا به وسیله آنها، کلید مشکلات اسرار وجود و هستی را پیدا کند....

ژنرال محمد پاشا که در سال ۱۳۳۵ هجری قمری به شهادت رسید، درباره این کتاب می نویسد: من در طول شصت سال عمرم، همیشه در فکر و اندیشه ام این شک و تردید باقی بود که اسلام چگونه می تواند با حرکت زمین موافق باشد؟ و ما چگونه می توانیم کشفیات علمی جدید را با نظریات اسلامی تطبیق کنیم؟ تا آن که در سال ۱۳۳۳ هجری یک جلد از کتاب اسلام و هیئت را در کوفه به دست آوردم و پس از مطالعه آن، سجده شکر نمودم و سوگند یاد کردم که اگر زنده ماندم، پس از پایان جنگ جهانی، این کتاب را به زبان ترکی ترجمه کنم و آن را به ضمیمه متن عربی در آستانه چاپ کرده و رایگان بین دانشجویان توزیع نمایم، زیرا من به خوبی می دانم که آنان بیشتر از من درباره این موضوع در تشویش و اضطراب هستند!

یکی از علمای بزرگ به مولف کتاب می نویسد: کتاب اسلام و هیئت، هیئت یونان را از بین برد، پایه های آن را ویران ساخت، برای آن که هیئت یونانی در قرن اخیر بر پایه 'مجسطی' استوار نبود، بلکه استوانه های آن را مغز و فکر مسلمانان تشکیل می داد و آنان چنین می پنداشتند که هیئت یونانی موافق دین اسلام است، ولی هنگامی که کتاب اسلام و هیئت منتشر شد و دلایل و آیات آن در انتظار اهل علم جلوه گر گردید و پرتو افکند، هیئت یونانی مانند خاکستری گردید که بادی تند، در روزی طوفانی بر

## نگاهی به کتاب 'اسلام و هیئت'

## کتابی که جهانی شد

هستی چه می تواند باشد؟ (آنتم اشد خلقا أم السماء). پس نباید اصولاً فکر کنیم کره زمین، حجم قابل اعتنائی در برابر این کرات، ستاره ها، خورشیدها و کهکشان ها دارد!

نور با سرعت ۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه در حرکت است، یعنی نور هفت بار و نیم در هر ثانیه به دور کره زمین می چرخد! یعنی نوری که امروز ما در آسمان رویت می کنیم، در واقع قبل از یک میلیون سال نوری از آن ستاره یا خورشید ساطع شده تا به ما رسیده است. ماه از خود نوری ندارد و سرد است و به دور کره زمین می چرخد و کره زمین، دنباله رو خورشید است. ستارگان دیگر، هرکدام کوکب های ویژه خود را دارند، ولی کره زمین فقط یک کوکب - ماه - را دارد که در هر ۲۹ روز و نیم در ماه، به دور آن گردش می کند. کره زمین پنجاه برابر بزرگ تر از ماه است و خورشید یک میلیون بار از زمین بزرگ تر است.

این خلاصه ای از اکتشافات و نتیجه بررسی های دانشمندان علوم نجوم و هیئت و آسمان است که با استفاده از محاسبات دقیق علمی و پس از مراجعه به نتایج به دست آمده از عکسبرداری ها و اکتشافات عجیب دستگاه هایی چون 'هابل' یا ماهواره های فضایی و موشک های فضاپیما و هزاران وسیله علمی دیگر، به این نتایج رسیده اند. این نتایج، بی تردید همه دانستی های جهان هستی نیست. پس آن چه که در گذشته به آنها اشاره شده و در لسان قرآن و احادیث آمده، در واقع برای تقریب ذهن افراد و متناسب با درک و فهم انسان عصر نزول قرآن و صدور روایات است و فقط به عنوان اشاره به عظمت خلقت و هستی است، و گرنه میدان و بستر گسترده تر برای ارزیابی و دریافت و درک حقایق افزون تر، همواره باز بوده است، همان طور که نظریات امروزه دانشمندان، در واقع اشاره به گوشه هایی از دانسته های آنان درباره جهان بزرگ هستی و پیدایش خلقت و انسان و آسمان ها و کهکشان هاست.

مولف در بخشی از کتاب حاضر می نویسد: این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۲۸ هجری قمری چاپ شد و در بین محافل علمی مورد توجه شایان قرار گرفت و بسیاری از دانشمندان آن را مطالعه کرده و بزرگان علم و دانش و شعر و قلم، تفریض هایی بر آن نوشته و مجلات و نشریات کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، مطالبی درباره آن منتشر نمودند و در نزد مولف، نامه های بسیاری از رجال علم و ادب گرد آمد. و تفریض های بسیاری توسط علمای بزرگ درباره این کتاب نوشته شده است.

دانشمند بزرگ 'طالب اوف' از روسیه درباره این کتاب می نویسد: 'من گمشده خودم را در کتاب

کتاب 'اسلام و هیئت' نوشته علامه سید هیة الدین شهرستانی با ترجمه و توضیحات استاد سید هادی خسروشاهی از سوی بوستان کتاب منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران این اثر، سرشار از نکته های بدیع درباره علم هیئت است که شگفتی همگان را برانگیخته و در کشورهای اسلامی با استقبال روبه رو و به زبان های مختلف ترجمه شده است.

در قرآن و احادیث، مطالب گوناگونی درباره آسمان، زمین، ستارگان، خورشید، ماه و دیگر مسائل مربوط به 'علم هیئت' آمده است و طرح همین موضوعات، باعث شده دانشمندان اسلامی درباره این موضوع بیندیشند و تفسیر خود را از آیات و روایات، متناسب با دستاوردهای علمی روز، ارائه کنند. یکی از این دانشمندان، علامه سید هیة الدین شهرستانی است که حدود صد سال پیش، در اثر حاضر، دیدگاه های خود را موشکافانه به رشته تحریر درآورد.

بر اساس مطالب کتاب، دانشمندان می گویند انسان وقتی به آسمان نگاه می کند، می تواند با چشم غیر مسلح، سه هزار ستاره را ببیند که در آسمان به دور خورشید می چرخند و مانند خورشید و ماه قابل رویت اند. برخی پیشینیان از این کوکب ها به هراس افتادند و آنان را 'خدایان' نامیدند و به پرستش آنها پرداختند تا این که پیامبران آمدند و آنان را به راه راست رهنمون شدند. دانشمندان عمر جهان هستی را سیزده میلیارد سال می دانند که از انبوه توده های ستارگان بسیار بزرگ تشکیل شده است و صدها هزار میلیون خورشید و ماه در آن وجود دارد. عقل نمی تواند این فرضیه را بپذیرد، چرا که اگر برای هر ستاره ای اسم خاصی بگذاریم، چه مقدار دقت لازم خواهد بود که نام ستارگان این کهکشان ها را بشماریم؟ دو هزار سال تمام برای شمارش نام آنان وقت لازم خواهیم داشت: (فلا اقسام بمواقع النجوم و انه لقسام لو تعلمون عظیم) فاصله بین این ستارگان بزرگ و کهکشان ها بسیار زیاد است.

نزدیک ترین کهکشان، دارای یک صد هزار میلیون خورشید یعنی یک صد میلیون مجموعه شمسی است و خورشید ما که مستقر و ثابت است، اگر حرارتش بیشتر شود، کره زمین با فاجعه روبه رو خواهد شد.

در کهکشان 'عقرب' ستاره یا خورشیدی وجود دارد که ۷۷ میلیون بار بزرگ تر از خورشید ماست! هر نور کم سویی هم که ما در آسمان می بینیم، پرتوی از یک جهان است و دانشمندان مدعی اند در جهان هستی بزرگ، هزار هزار هزار میلیون کهکشان وجود دارد. پس جایگاه کره ما و انسان ها در قبال این جهان

## قصه های زندگی پیامبر (ص) با ترجمه استاد سید هادی خسروشاهی

زنده یا نباتات و جمادات، گوشه هایی از زندگانی و شخصیت این پیامبر بزرگ خدا را برای کودکان و نوجوانان، به تصویر کشیده است.

متن عربی این کتاب، مورد استقبال دانش آموزان نوجوان جهان عرب قرار گرفته و بارها موفق به دریافت جایزه شده است.

در جلد اول این کتاب، ۱۰ داستان از زندگی پیامبر (ص) برای گروه سنی نوجوان و جوان نقل شده است. فیل و خدا، شتر حلیمه، سنگ سیاه مقدس، شب قدر، ابو جهل و شتر ترسناک، از سایه درخت تا سایه اسلام، سفر شگفت انگیز، توطئه، لانه کبوتر و صد شتر جایزه، عناوین دهگانه این داستان ها هستند. چاپ اول از نخستین جلد کتاب 'قصه های زندگی پیامبر (ص)' در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، ۷۶ صفحه و بهای ۳۹۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شده است.

عبدالنواب یوسف تهیه شده و در 'قاهره' به چاپ رسیده است. با توجه به چگونگی بیان قصه ها که از قول موجودات زنده مانند فیل و شتر و کبوتر یا نباتاتی چون گیاه، انگور، درخت و جماداتی نظیر سنگ، چاه و پرچم اند، توجه کودکان و دانش آموزان نوجوان را به خود جلب می کند.

این کتاب سال ۱۹۹۹ میلادی، جایزه 'بهترین کتاب کودک و نوجوان' را از سازمان فرهنگی مصر در قاهره دریافت کرد و در سال ۲۰۰۰ میلادی، جایزه 'افق های نوین'، در نمایشگاه بین المللی کتاب کودک، در بولونی (ایتالیا) به آن اهدا شد.

ناشر کتاب در معرفی این اثر آورده است: 'همه رفتارها و سخنان پیامبر گرامی اسلام (ص) درس آموز و حیات آفرین است، از همین روست که خداوند متعال، ایشان را آسوه همه مردم معرفی کرده است. اثر حاضر با نقل قصه هایی از زبان موجودات

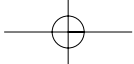
پیامبر (ص) نوشته عبدالنواب یوسف با ترجمه حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی از سوی موسسه بوستان کتاب منتشر و روانه بازار نشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، عبدالنواب در این کتاب، قصه های زندگی پیامبر اکرم (ص) را از زبان حیوانات، نباتات، جمادات و دیگر مظاهر طبیعت، بیان کرده است.

متن عربی این کتاب، سالیان گذشته، بارها در 'مصر' و در برخی از بلاد عربی، تجدید چاپ شده و سپس به زبان های گوناگون از جمله انگلیسی، اردو، ترکی و فارسی ترجمه و در همه جا با استقبال نسل نو روبرو شده و جایزه های ادبی معروفی از سوی کانون های فکری و پرورشی کودکان، دریافت کرده است.

در این کتاب 'بیست قصه از زندگی پیامبر (ص)' - حیاة محمد (ص) فی عشرين قصة - به همت استاد



نخستین جلد از مجموعه قصه های زندگی



فقه پویای اسلام و وحدت مسلمین در مذهب جعفری

## دیدگاه امام خمینی درباره تلاش‌های ارزشمند حضرت امام جعفر صادق (ع) در احیای فقه و ایجاد وحدت و تقرب بین مذاهب اسلامی

ادامه از صفحه اول

امام صادق (ع) از فضای به وجود آمده بهره فراوان برد و توانست حرکت علمی ریشه داری را آغاز کند و به انجام برساند. امام (ع) با سه شیوه کاربردی به محقق ساختن اهداف خود اهتمام ورزید. شیوه اول نشر جامع و خالص و گسترده تعلیم و معارف و قوانین اسلام در سراسر جامعه و سیراب کردن کویرهای تشنه فرهنگ غنی اسلامی بود. این حرکت امام به گونه‌ای مراتب و مراحل رشد و وسعت را طی نمود که همه مورخان اعتراف کردند: "حرکت علمی آن حضرت آن سان گسترش یافت که سراسر مناطق اسلامی را دربرگرفت" و "مردم از علم او سخن ها می گفتند و شهرت او در همه شهرها پیچیده بود". (۴) و نیز اذعان داشتند: "امام صادق (ع) چشمه های دانش و حکمت را در روی زمین شکافت و برای مردم درهائی از دانش گشود که پیش از او معهود نبود و جهان از دانش آن حضرت سرشار گردید". (۵)

شیوه دوم امام (ع) مقابله با جریان های فکری و عقیدتی مغشوش و التقاطی بود که از خارج و داخل جهان اسلام و با تهاجم فرهنگی همه جانبه در صدد مسخ هویت دینی جامعه و به انحراف و بیراهه افکندن جوانان مسلمان می پرداخت. دفع شبهه ها و خرافه ها از پیکر دین مبارزه با تفکرات افراطی و غلوآمیز درباره امامان معصوم (ع) و نفی هرگونه برداشت های یکسویه از تعلیم جامع اسلام از جمله حرکات اصلاحی امام (ع) در معارضه صحیح و علمی و منطقی با جریان های اعتقادی و فکری مبهم و مغشوش بود که در چهره دین ظاهر می شدند و اعضای جامعه اسلامی را به دام می انداختند.

روش سوم حضرت امام جعفر صادق (ع) تربیت و پرورش شاگردان فهیم و اندیشمند و متبحر در فقه و سایر رشته های علوم و معارف و اعزام آنان به نقاط مختلف جهت تبیین و تشریح صحیح تعلیم قرآن و معرفی اسلام اصیل و به دور از تحریف و بدعت و خرافات و موهومات به نسل جوان بود. همین تلاش عمیق و راهگشای امام (ع) بود که باعث شد دانشمندانی چون هشام بن حکم مومن الطاق محمد بن مسلم و زراره بن اعین پرورش یابند و در خدمت اسلام و جامعه اسلامی درآیند.

۲- حضرت امام خمینی فقه جعفری را بسیار جامع و گسترده و شامل همه نگرش های اصیل و ریشه دار و مبتنی بر نیازهای فطری بشر می دانند.

حضرت امام خمینی اذعان دارند که فقهی که از زبان حضرت امام جعفر صادق (ع) بسط پیدا کرده است همه احتیاجات بشر را از دیروز تا امروز و نیز آنچه را که در آینده پیش می آید و ما از آن بی اطلاع هستیم تامین می نماید. (۶)

تبیین و تشریح های امام خمینی از این فقه شریف و جامع و زندگی ساز بسیار زیبا و برای تمام مراکز دینی و مراجع و فقها و اندیشمندان تامل برانگیز

می باشد و چنانچه به آن نظر دقیق و تفکر عمیق رو داشته شود بسیاری از معضلات را حل می کند و برای جامعه و کشور رشد و پویایی به ارمغان می آورد. حضرت امام خمینی در منشور روحانیت و با یک نگرش کلی اعلام می کنند: "فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.... (۷) این نگرش کلی و فراگیر به فقه آنگاه که ریشه یابی شود و به شرح و تبیین درآید عمق آن مشخص می گردد. حضرت امام در پیام ها و بیانات مختلف خویش به انجام این مهم اهتمام ورزیدند تا در پرتو این تشریح و توضیحات برای همگان مشخص شود که چرا فقه جعفری دارای این جامعیت برنامه برای حیات و زندگی بشر می باشد.

دقت در تعبیر ذیل از حضرت امام خمینی در تبیین وظایف "مجتهد راستین" که وظیفه و مسئولیت بزرگ شرح فقه جعفری و تبویب و استخراج احکام جدید از آن را بر دوش می کشد نشان می دهد که امام خمینی چه دیدگاه های جامع و ارزشمندی در این موضوع دارند و نوآوری های این فقیه جامع نگر بسیار مهم و بنیادین می باشد و باید مورد توجه مراکز علوم حوزوی و فقها و اندیشمندان اسلامی قرار گیرد:

اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نمی باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی تواند زمام جامعه را به دست گیرد. (۸)

آشنایی به روش برخورد با حیلہ ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان داشتن بصیرت و دید اقتصادی اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان شناخت سیاست ها و حتی سیاسیون و فرمول های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند از ویژگی های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شان مجتهد است واقعا مدیر و مدبر باشد. (۹) حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. (۱۰)

در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را

ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است. (۱۱)

زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می طلبد. (۱۲) می بینیم که امام خمینی چه نگرش جامع و نوینی به فقه جعفری دارند و از همین جا این حقیقت رخ می نمایاند که به همان دلیل و برهان مبتنی بر عقل و شرع که قوانین قرآن دارای رسالت جهانی و برای همه اعصار و زمان ها می باشند فقه جعفری که خاستگاه اصلی آن احکام و تعلیم قرآن است دارای همین وسعت و فراگیری می باشد و در همه موضوعات و برای همه اعصار و مطابق با تحولات و دگرگونی های اجتماعی فرهنگی اقتصادی و سیاسی برنامه جامع ارائه می دهد.

۳- سومین موضوع محوری و بنیادینی که حضرت امام خمینی درباره شخصیت والای حضرت امام جعفر صادق (ع) مورد توجه و نظر قرار می دهند تلاش فکری و عملی آن پیشوای بزرگ در مسیر تحقق تقرب و وحدت مذاهب اسلامی می باشد.

این نگرش امام خمینی در متن تعبیری چون حضرت امام جعفر صادق (ع) تبیین کننده اهداف و آرمان های پیامبر اکرم (ص) است نهفته است. تردیدی وجود ندارد که رسول گرامی اسلام پیامبر رحمت و وحدت بود و به اعتراف آیات شریفه قرآن کریم تلاش های وقفه ناپذیر آن حضرت موجب گردید اقوام پراکنده و متفرق گرد هم آیند و بر محور دین خدا به اتحاد و اقتدار برسند (۱۳) چنان که همین آیات در کنار اذعان به تلاش رسول اکرم (ص) برای ایجاد وحدت به شدت از تشقت و پراکندگی مسلمین نهی می کنند و تفرقه گرایان را از رحمت خدا محروم و بی نصیب می دانند. (۱۴)

حضرت امام جعفر صادق (ع) با حرکت در مسیر مقدس رسول گرامی اسلام (ص) همواره برای وحدت مسلمین دل می سوزاند و تلاش های فکری و عملی مستمر مبذول می داشت. چنان که رهنمودها و فعالیت های آن منادی بزرگ وحدت و تقرب مذاهب اسلامی در متون دینی ثبت گردیده است و نمونه ذیل یکی از آنهاست:

" معاویه بن وهب "نقل می کند که از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسیدم: "ما شیعیان چگونه باید با اهل تسنن معاشرت کنیم تکلیف ما با آنها چیست" امام (ع) فرمود: "ببیند ائمه شما چگونه رفتار می کنند

شما هم مانند امامان خود رفتار کنید. به خدا سوگند امامان شما بیماران آنان را عبادت می نمایند جنازه های آنها را تشییع می کنند برای آنان گواهی و شهادت می دهند. " (۱۵) این شیوه نیکوی مواجهه به همراه تعامل زیبا و محبت زای امام صادق (ع) با پیشوایان مذهب تسنن عامل مهمی در ایجاد تقرب و وحدت مذاهب اسلامی می باشد و در طول تاریخ به صورت "الگوی عملی" مورد تبعیت و پیروی مراجع آگاه و فقها و علمای روشن ضمیر اسلام قرار گرفته و از جمله حضرت امام خمینی در طول حیات پر برکتش تلاش فکری و عملی ویژه ای را برای ایجاد وحدت بین مسلمین - اعم از علمای دو مذهب و ملل مسلمان و حتی سران کشورهای اسلامی - مبذول داشتند و مبارزه ای پی گیر و وقفه ناپذیر با قدرت های استکباری و عوامل مرموز آنان را که برای نفوذ به اردوگاه های جبهه توحید و تلاشی کردن صفوف متحد علمای تشیع و تسنن و ملل و سرزمین های اسلامی لحظه ای آرام و قرار نمی گیرند و بودجه های کلان برای تحقق این هدف شیطانی تخصیص می دهند در کارنامه درخشان خود ثبت نمودند.

آنچه امروز در ایران اسلامی و جهان اسلام از آثار ارزشمند وحدت علمای مذاهب و ملل مسلمان به صورت قدرتی متحد و جبهه ای مقتدر روی در روی قدرت های استعماری و در اوج عزت و سرافرازی مشاهده می کنیم از ثمرات تلاش های خالصانه حضرت امام خمینی به شمار می رود و امید آن که این مشعل پر فروغ وحدت و همبستگی همچنان نورافشان و راهگشا باقی بماند و هر چه بیشتر مشتعل تر شود و گرمی بخش صفوف جبهه های مقاومت اسلامی در سراسر جهان گردد.

بدیهی است چنانچه تلاش های علمی و عملی در مسیر تقرب و وحدت مسلمین تداوم یابد و دچار آفات مقطع گرایی و حرکات شعاربازی و مبتنی بر رفع تکلیف نگردد این امید و آرزوی شیرین به واقعیت و عینیت خواهد رسید.

### پاورقی:

- ۱- وصیت نامه الهی - سیاسی حضرت امام خمینی موسسه تنظیم و نشر آثار امام ص ۱۶
- ۲- صحیفه امام موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ج ۱۴ ص ۷
- ۳- سیمای معصومین (ع) در اندیشه امام خمینی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ص ۲۸۴
- ۴- پیشوایان ما استاد عادل ادیب دفتر نشر فرهنگ اسلامی ص ۱۹۰
- ۵- همان منبع
- ۶- سیمای معصومین (ع) در اندیشه امام خمینی ص ۲۸۴
- ۷- منشور روحانیت پیام تاریخی امام خمینی به مراجع فقها و علمای حوزه های علمیه ۶۷۱۲۳ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۹
- ۸- منشور برادری پیام امام خمینی به جریان های فکری وفادار به انقلاب و نظام درباره ضرورت مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی ۱۰ ۸ ۶۷

- ۹- منشور روحانیت صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۹
  - ۱۰- همان منبع
  - ۱۱- منشور برادری صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۷۷
  - ۱۲- منشور روحانیت صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۹
  - ۱۳- قرآن کریم سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۳
  - ۱۴- سوره انعام (۶) آیه ۱۵۹ سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۳
  - ۱۵- اصول کافی ج ۲ ص ۶۳۶
- حضرت امام خمینی در وصیت نامه الهی - سیاسی خویش که منشوری جامع برای آینده ایران و جهان اسلام است تصریح می کنند: ما مفتخریم که مذهب ما "جعفری" است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست.

دفع شبهه ها و خرافه ها از پیکر دین مبارزه با تفکرات افراطی و غلوآمیز درباره امامان معصوم (ع) و نفی هرگونه برداشت های یکسویه از تعلیم جامع اسلام از جمله حرکات اصلاحی حضرت امام جعفر صادق (ع) در معارضه علمی با جریان های فکری مبهم و مغشوش بود که در چهره دین ظاهر می شدند و اعضای جامعه اسلامی را به دام می انداختند

شیوه نیکو و تعامل زیبا و محبت زای حضرت امام جعفر صادق (ع) با علمای مذهب تسنن عامل مهمی در ایجاد تقرب و وحدت مذاهب اسلامی می باشد و در طول تاریخ به صورت "الگوی عملی" مورد تبعیت و پیروی مراجع آگاه و فقها و علمای روشن ضمیر اسلام قرار گرفته و از جمله امام خمینی در این راه تلاش فکری و عملی ویژه ای مبذول داشت و پایه های این وحدت و همبستگی را مستحکم نمود.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

### توضیح

در شماره ۱۳۶۹ نشریه بعثت مطلبی با عنوان «حاشیه های دیدار نخبگان جوان با رهبر انقلاب اسلامی» به چاپ رسیده بود که منبع آن ذکر نشده بود که بدینوسیله به اطلاع می رساند این مطلب از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای نقل شده بود.

## بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سرمدیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر

